

● وظایف و مسئولیت های کارکنان کارگاه در پروژه های

ساختمان و نصب ۱۷

● سازمان یادگیرنده ۱۸

مجله فرهنگ و خانواده

● مشق رهایی ۲۴

● دفاعی که مقدس شد ۲۵

● هر آن که در پی علم و دانایی است

بداند که وقت صف آرای است ۲۶

● برای چه کاری چه چیزی نصب کنیم؟ ۲۸

● چارچوب دروازه برایشان کم است ۳۰

● دیدن شهر از قابی دیگر ۳۱

● یک فنجان چای ۳۲

انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در قالب مقالات، مصاحبه ها و گزارش ها، لزوماً به معنای تایید محتوای تمامی آنها از سوی ماهنامه نیست.

● گذشته و آینده نماد و خارزم ۲
دکترحجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی

● نگاهی به کارنامه دولت یازدهم در دو سال گذشته
جلوه های غلبه بر کودی دیر یا ۳

● نگاه چشم آبی ها به بورس است ۴

● بخش خصوصی واقعی، جایگزین رانت و انحصارگرایی ۶

● نگاهی به اقتصاد ایران قبل از توافق و چشم انداز آن بعد از توافق
فر دا روز سفیدی خواهد بود ۷

● گپ و گفتمانی با دکتر مهدی پازوکی درباره نیازمندی های اقتصادی کشور در شرایط جدید:
شراکت با سرمایه های خارجی نیازمند مدیریت های توانمند ۱۰

● ضرورت های اقتصاد ایران بعد از توافق در گفت و گو با محمدقلی یوسفی، استاد دانشگاه
توسعه صنعتی؛ فرصتی که نباید از دست داد ۱۲

● سرمایه گذاران به درآمدهای ناشی از گردشگری توجه کنند

● گردشگری، صنعتی برای فردای اقتصاد ۱۴

● راهبردهایی برای محبوبیت کارکنان ۱۶

ضوابط درج مقالات در ماهنامه "و خارزم"

ماهنامه و خارزم از دریافت مقالات علمی، تخصصی و کارشناسی در حوزه های مرتبط با اهداف راهبردی گروه سرمایه گذاری خوارزمی به ویژه در زمینه های اقتصاد کلان، تحولات بازار سرمایه، فناوری اطلاعات، برنامه ریزی و مدیریت منابع انسانی استقبال می کند. مقالات ارسالی باید شامل این موارد باشد: عنوان مقاله، نام و مشخصات نویسنده یا مترجم (شامل عنوان اصلی علمی و شغلی، شماره تلفن تماس و نشانی الکترونیکی)، چکیده و متن کامل مقاله (مقدمه، متن، نتیجه) در قالب نرم افزار Word - فهرست منابع و پیوست های احتمالی. حجم مقالات ارسالی حداکثر تا ۱۰ صفحه A4 (معادل ۳۳۰۰ کلمه) باشد که با احتساب تصاویر، جداول، نمودارها و تیراژ، نهایتاً از ۴ صفحه نشریه بیشتر نخواهد بود. تحریریه ماهنامه و خارزم، در ویرایش محتوایی و شکلی مطالب واصله آزاد است و اصل مقاله نیز به ارسال کنندگان محترم مسترد نمی گردد. مسئولیت محتوای علمی - حقوقی مطالب با نویسندگان یا نویسندگان است و ماهنامه از انتشار مقالات منتشر شده در سایر نشریات و رسانه ها معذور می باشد.

vakharazm@kharazmi.ir

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اجرایی تحریریه: سینا قلیچ خانی

همکاران این شماره: سحر قاسم نژاد، علی

پویا، ایلیا پیرولی، علی ماندگار، شرمین نادری،

نسترن فتحی، فرید دانشفر، مانی قنادزاده

با تشکر از: دکتر اصغر ابن الرسول، دکتر شهرام

قیادی

گرافیک و صفحه آرای: نادر قبله ای

ویراستار: شیدا محمدطاهر، مرجان ابری

امور دفتری: وحیده بهزادی

نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی،

برزیل غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۲۳۸۹۵ - فاکس: ۸۸۶۲۳۸۹۶

نشانی الکترونیک:

vakharazm@kharazmi.ir



ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
برای خانواده بزرگ شرکت سرمایه گذاری خوارزمی



شماره نوزده - مهر ۱۳۹۴

گذشته و آینده نماد و خارزم

• دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

پرسش مهمی که هر سرمایه‌گذار در مواقع مختلف به‌طور پیوسته از خود می‌پرسد، آن است که آیا سرمایه‌گذاری‌ام بهترین بوده و آیا نمی‌شد بهتر از این عمل کرد؟ این مسئله به‌قدری اهمیت داشته که در اقتصاد موضوعی به نام هزینه فرصت از دست رفته مطرح شده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های هزینه فرصت از دست رفته، یکی صفر نبودن آن است؛ بدین معنی که هیچ‌گاه نمی‌شود برای انجام یک سرمایه‌گذاری، از سرمایه‌گذاری دیگری چشم‌پوشی نکرد و در نتیجه از منافع آن محروم نماند. و دیگری دقیقاً تشخیص همان سرمایه‌گذاری دیگر است که از آن چشم‌پوشی شده است. تشخیص این موضوع بدان معنی است که سرمایه‌گذاری یا سرمایه‌گذاری‌های جایگزین چه هستند و از آن مهم‌تر عایدی آن‌ها چقدر است. تمامی سرمایه‌گذاران از آن‌جا که به دنبال بیشینه کردن سود و منافع خود هستند، بسیار مایلند که پاسخ این پرسش‌ها را قبل از تصمیم‌گیری و انتخاب مورد سرمایه‌گذاری خود بدانند. به‌عنوان نمونه، در بورس وقتی مبلغی برای خرید یک سهام خاص پرداخت می‌شود، لزوماً باید از پرداخت آن مبلغ برای سایر سرمایه‌گذاری‌ها صرف‌نظر کرد و لذا سرمایه‌گذار دغدغه آن را دارد که مبدا سهم یا سهم‌های دیگری که در انتخاب او نیست در آینده بازدهی بیشتری نسبت به آن چه او انتخاب کرده داشته باشند. پاسخ به این پرسش امری پیشینی است، یعنی باید قبل از سرمایه‌گذاری پاسخ مناسب را یافت، اما آن چه در عالم واقع عملی است و واقعی‌ترین و صحیح‌ترین پاسخ تلقی می‌شود، امری پسینی به شمار می‌رود. بسیار دیده شده که سهام‌دار پس از یک سال یا حتی چند ماه سرمایه‌گذاری، روند رشد سایر سهام‌ها را دیده و انگشت حسرت گزیده که چرا آن سهام دیگر را که بازدهی مناسب‌تری داشته، انتخاب نکرده است. گاهی این مسئله حتی موجب افسردگی و از دست دادن اعتماد به نفس سرمایه‌گذار شده و چنین پنداشته است که او فکر ضعیفی دارد و قادر به تشخیص نیست و دیگران بهتر عمل کرده‌اند. در صورتی که اگر از همان دیگران پرسیده شود که امروز چه سهامی را توصیه می‌کنند، ممکن است کاملاً اشتباه کنند و این موردی است که برای آن، چه در بورس‌های دنیا و چه در ایران نمونه‌های فراوانی می‌توان یافت زیرا پیش‌بینی آینده بسیار سخت‌تر از تجزیه و تحلیل گذشته است و از این روی است که بر روی زمین هیچ انسانی را نمی‌توان یافت که روزنامه فردا را واقعاً نوشته یا خوانده باشد.

آن چه گاهی بازار سرمایه را برای سرمایه‌گذاران جذاب‌تر از دیگر بازارها می‌کند، پیش‌بینی‌ناپذیری دقیق روند قیمت‌ها و شاخص در آن است. درست زمانی که تمامی تجزیه تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌ها از کاهش خبر می‌دهند، قیمت‌ها به ناگاه روند افزایشی شدید به خود می‌گیرند و گاه برعکس، برخلاف انتظار رشد، بازار سقوط می‌کند. برای پی بردن به دلیل یا دلایل این امر، پژوهشگران بررسی‌های زیادی انجام داده‌اند تا به راز این پیش‌بینی‌ناپذیری پی ببرند. اگرچه دلایل متفاوتی از مسائل رفتاری کنشگران بازار و سرمایه‌گذاران گرفته، تا ساختار بازار، عوامل بنیادی صنایع و شرکت‌ها و همچنین موارد مربوط به گزارشگری مالی متغیرهای مربوطه در این زمینه بررسی شده‌اند اما هنوز مدل قابل اتکایی برای این پیش‌بینی‌ناپذیری تدوین نشده و شاید تدوین آن هیچ‌گاه میسر نشود. دلیل این ممکن‌ناپذیری، در بی‌کرانی عوامل موثر بر قیمت سهام از یک‌سو و درجه عدم اطمینان هر کدام از این عوامل و در نتیجه وجود عاملی به نام خطر یا ریسک از سوی دیگر است. واقعیت آن است که با تمامی تلاشی که نظریه پردازان و پژوهشگران به کار بسته‌اند، شناسایی نه تنها تمامی این عوامل بی‌کران بلکه حتی بخش بزرگی از آن نیز تاکنون ممکن نشده است. روند شاخص کل بورس در دهه گذشته و حتی ماه‌های اخیر، نمونه روشنی از این پیش‌بینی‌ناپذیری است. درست در زمانی که به دلیل انتشار اخبار مربوط به افزایش تحریم‌های ناعادلانه و در نتیجه ایجاد تنگنای مالی و اقتصادی، انتظار افت شدید بازار می‌رفت، شاخص بی‌توجه به آن، روند افزایشی خود را ادامه می‌داد و بر کاهش‌های موقت خود فائق می‌آمد و باز هنگامی که از روزهای آغازین سال که در آن هستیم اخبار مثبت توافق هسته‌ای به گوش می‌رسید، روند افزایشی شاخص بیش از چند روز نتوانست دوام آورد و قیمت‌ها رو به نزول گذاشتند. طرفه آن که برخی تحلیل‌گران بازار برای هر دو روند کاهش و افزایش، دلیل به‌ظاهر محکمی پیدا کرده و آن را دلیل اصلی نوسان می‌دانند. مثلاً هنگامی که بازار پس از یک دوره آرامش ناگهان اوج می‌گیرد، در بین تحلیل‌گران به فلان مصاحبه وزیر خارجه غربی استناد می‌شود و وقتی درست فردای آن روز شاخص با افت سنگینی مواجه می‌شود، باز همان تحلیل‌گران یا به بندهای دیگری از همان مصاحبه استناد می‌کنند یا به سخنرانی پیش از دستور یکی از نمایندگان محترم مجلس. تمامی این تلاش‌ها ریشه در پیش‌بینی‌ناپذیری بازار سرمایه دارد و تلاش ناموفق تحلیل‌گران، تا ثابت کنند که افزایش یا کاهش، یکی دو دلیل و فقط همان یکی دو دلیل مشخص را داشته است. در خصوص عوامل موثر بر نوسان قیمت در بازار سهام تنها چیزی که می‌توان پیش‌بینی دقیق کرد آن است که در آینده پژوهشگران به عوامل بیشتری نسبت به امروز دست خواهند یافت و نه چیز دیگر. این که روزی برسد تا تمامی عوامل مشخص شود و بتوان با گنجاندن آن‌ها در مدل ریاضی خاصی، قیمت سهام در آینده را به‌طور دقیق پیش‌بینی کرد امری محال به حساب می‌آید.

بی‌گمان یکی از پرسش‌های مهم امروز سهام‌داران خوارزمی در آستانه مجمع عمومی سالیانه، آن است که آیا سرمایه‌گذاری درستی انجام داده‌اند یا باید سهام دیگری می‌خریدند. بدیهی است که پاسخ به این پرسش آسان‌تر از آن است که در مورد آینده پیش‌بینی شود. برای پاسخ به این پرسش، می‌توان مقاطعی مانند روز بازگشایی نماد و خارزم در روز بعد از مجمع عمومی عادی سالیانه در مهرماه سال گذشته، روز اعلام اجرایی شدن مرحله دوم افزایش سرمایه، نخستین روز کاری سال جاری یا روز اتمام پذیره‌نویسی و استفاده از حق تقدم را در نظر گرفت و از سوی دیگر، برای مقایسه و برآورد هزینه فرصت، یا سراغ شاخص کل رفت، یا ده یا بیست شرکت بزرگ بورس را ملاک مقایسه قرار داد یا با سایر شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بورس سنجید. در صورت انجام این تحلیل، چنین به دست می‌آید که بازدهی و خارزم در دوره‌های مورد نظر در بسیاری از حالات، نسبت به موارد مشابه خود بیشتر بوده و در برخی موارد نیز مساوی بوده یا تفاوت چندانی نداشته است. مجمل این ادعا آن است که سهام‌داران خوارزمی، چه آن‌ها که سهام قبلی خود را نگه‌داری کرده‌اند و چه کسانی که اخیراً به جرگه سهام‌داران پیوسته‌اند، با وجود رکود حاکم بر اقتصاد، افت شدید شاخص کل در بورس و رخوت سایر بازارها، نه تنها هزینه فرصت بالاتری نسبت به سایر سرمایه‌گذاری‌ها نداشته‌اند بلکه بازدهی قابل قبول و متناسب با ریسک بازار را هم به دست آورده‌اند.

آن چه امروز مهم است، تصمیم‌گیری در مورد آینده این سهم است و باز دستیابی به پاسخی مناسب برای پرسش چالش‌برانگیز ابتدای این نوشته، آن چه از سوی سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی گروه خوارزمی می‌توان اعلام کرد، دو نکته است؛ یکی برنامه‌های راهبردی هفت‌ساله خوارزمی برای ارتقای شرکت و توسعه عملیات آن و دستیابی به سودی بیشتر و پایدارتر است که تفصیل آن در یادداشت‌های پیشین ارائه شده و موارد تکمیلی آن نیز در شماره بعد و همچنین مجمع عادی سالیانه پیش رو گفته خواهد شد و طبیعی است که اولین اثر خود را بر ارزش سهام شرکت می‌گذارد و نکته بعدی ابراز خوش‌بینی محتاطانه نسبت به خروج اقتصاد کشور از رکود است، که اگر چه نمی‌توان برای آن زمان دقیقی را پیش‌بینی کرد، اما با توجه به برنامه‌های جدی دولت محترم، تحقق آن را می‌توان قطعی دانست. این دو عامل می‌تواند دلایل بنیادی مناسبی را برای ارزنده‌تر کردن سهام در ماه‌ها و سال‌های پیش رو فراهم کند، تا یار که را خواهد و میلش به که باشد.

جلوه‌های غلبه برر کودی دیرپا

شاخص در این ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه‌به‌نقطه) ۵٫۶ درصد افزایش یافته است. تورم تولیدکننده درحالی روند کاهشی در پیش گرفته که می‌تواند به معنای کم شدن هزینه‌های تولید و بهای تمام‌شده محصولات بوده و در نهایت می‌تواند به کاهش هزینه مصرف‌کنندگان بینجامد.

وضعیت کنونی	متغیر	گذشته	*
۱۳۹۳ +۳٪	نرخ رشد اقتصادی؛	۱۳۹۱ -۶٫۸٪	۱
۱۳۰ (۲۲ پله بهبود)	رتبه محیط کسب و کار؛	۱۵۲	۲
تورم نقطه‌به‌نقطه تیر ۹۴ ٪۱۴٫۲ تورم متلی به تیر ۹۴ ٪۱۵٫۶	قدرت خرید (شاخص نرخ تورم)؛	تورم نقطه‌به‌نقطه خرداد ۹۲ ٪۴۵٫۱ تورم متلی به شهریور ۹۲ ٪۴۰٫۱	۳
۹۳ سهم درآمدهای غیرنفتی در منابع عمومی دولت ٪۶۵ ۹۳ سهم مالیات‌ها از منابع عمومی دولت ٪۴۰ ۹۳ اتکاء به منابع نفت در بودجه عمومی دولت ٪۳۵	منابع درآمدی (مالیات)؛	۹۲ سهم درآمدهای غیرنفتی در منابع عمومی دولت ٪۵۷ ۹۲ سهم مالیات‌ها از منابع عمومی دولت ٪۳۳ ۹۲ اتکاء به منابع نفت در بودجه عمومی دولت ٪۴۳	۴
بازار آرام، شناور مدیریت شده با تغییرات ٪۵	بازار ارز؛	بازار متلاطم، مهم و نوسانی با جهش ٪۳۰۰	۵
مثبت شدن تراز تجاری ایران پس از یک دهه در چهار ماه اول سال ۹۴	تجارت خارجی؛	کسری تراز تجاری مازن، تراز بازرگانی ۱۳۹۲ - ۷٫۹ میلیارد دلار	۶
۱۳۹۳ ۴۹۷۴۴ میلیون دلار (رشد +۱۸٫۹ درصد)	صادرات غیرنفتی	۱۳۹۲ ۴۱۸۴۸ میلیون دلار	۷
۱۳۹۳ ۲۰۶۵۰۰ ریال (رشد ۳۱٫۷٪)	حق بیمه تولیدی کشور	۱۳۹۲ ۱۵۶۷۹۵ میلیارد ریال	۸

دولت یازدهم زمانی اقتصاد کشور را در اختیار گرفت که بسیاری از کارشناسان با قاطعیت بر این باور بودند که اقتصاد ایران بدترین روزهای خود را تجربه می‌کند. این ادعا برخلاف طیف‌بندی‌های سیاسی کشور مطرح می‌شد. در واقع می‌توان گفت در خردادماه سال ۱۳۹۲ که دولت یازدهم کابینه خود را تشکیل داد، همه گروه‌های سیاسی بر خمیدگی و خموده بودن اقتصاد ایران اشاره می‌کردند و بر سر آن اتفاق نظر داشتند. برای همین اقتصاد در دو سال گذشته به رویکرد همه گروه‌های اجتماعی تبدیل شد. دولت نیز این مسئله را می‌دانست و از سوی دیگر بیشتر از همه افراد جامعه از عمق وخامت اقتصاد کشور خبر داشت، برای همین نیروی خود را صرف پیروزی در میدان بین‌المللی کرد. چون برنامه‌ریزان دولتی بر این باور بودند که فقط با عبور از موانع بین‌المللی می‌توان در کوتاه‌مدت چاله‌های عمیق اقتصادی را پر کرد. برنامه‌ریزان دولتی اما به این توفیق دست یافتند و در تیرماه گذشته تیم مذاکره‌کننده ایران با دست پر از وین برگشت. این مسئله به یکی از چالش‌های کابینه یازدهم تبدیل شد، چون منتقدان اعضای این کابینه را متهم می‌کردند که به جای پرداختن به مشکلات داخلی و باز کردن گره‌های اقتصادی، تمام زور خود را صرف عبور از مذاکرات کرده‌اند. با این وجود آمارها به گونه دیگری سخن می‌گویند و نشان می‌دهند با وجود تجمیع نیروی دولت در حوزه‌های دیپلماتیک، منحنی‌های اقتصاد توانسته‌اند تا حدی بار خود را از زمین بگذارند و نفس تازه کنند. کارشناسان اقتصادی بر این باورند که داده‌ها حتی اگر توانسته باشند اندکی بهبود یابند باید شادمان بود چون در چند سال گذشته شرایطی بر اقتصاد کشور حاکم بود که گروه زیادی از فعالان اقتصادی کاملاً از جان گرفتن دوباره اقتصاد ایرانی ناامید شده بودند. به هر حال این روزها همه چیز تا حد مطلوبی تغییر کرده است. البته هنوز اقتصاد ایران تا تحرکی مطلوب بایدشکیبا و صبور باشد اما حرکت داده‌ها به سمت مثبت شدن و همچنین پیروزی در عرصه‌های بین‌المللی، امید به خروج از تنگناها را تقویت کرده است. واقعیت آن است که بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی نشان می‌دهد دولت یازدهم طی دو سال فعالیت خود توانسته است اقتصاد کشور را از شرایط رکودی خارج کرده و چشم‌انداز روشنی نیز پیش روی فعالیت اقتصادی ترسیم کند. همین خروج از شرایط رکود می‌تواند بهترین اتفاق برای اقتصاد محسوب شود. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت می‌نویسد. دولت یازدهم در شرایطی زمام امور اجرایی کشور را در دست گرفت که پیش از آن بسیاری از ناظران، بیان هر وعده‌ای را با دیده تردید می‌نگریستند و بازگشت به وضعیت سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ را دور از دسترس می‌انگاشتند. افزایش تنگناها و تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی به واسطه سیاست‌ها و مواضع تنش‌زاه، تورم بالای ۴۰ درصد، رشد اقتصادی منفی، افزایش بدهی‌های دولت، افت بی‌سابقه ارزش پول ملی و ورشکستگی و تعطیلی بنگاه‌های تولیدی در کنار گسترش بدبینی به آینده و کاهش اعتماد مردم نسبت به مسئولان اجرایی کشور، از ویژگی‌های ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۱ و آغازین ۱۳۹۲ بود. تورم بالا به همراه رشد اقتصادی منفی، باعث شد که کشور پدیده‌های جدید با عنوان رکود تورمی را تجربه کند.

این روند تا روی کار آمدن دولت یازدهم ادامه داشت اما بعد از شروع به کار دولت یازدهم، شرایط تغییر کرد و دیپلماسی خارجی این دولت مسیر توسعه روابط و تجارت خارجی کشور را طی کرد و اکنون با گذشت دو سال از شروع کار دولت، می‌توان نشانه‌های بهبود نسبی اقتصاد کشور را شاهد بود. از سوی دیگر گزارش‌های موجود، وضع را برای تولید مناسب‌تر از گذشته ارزیابی می‌کنند. در حال حاضر هیچ شکی میان اندیشمندان اقتصادی وجود ندارد، که اقتصاد ایران بیش از هر چیز به تولید و تقویت صنعت نیاز دارد. کاهش تورم صنعت این امید را به وجود آورده است که به‌زودی تولیدکنندگان می‌توانند از لاک بحران خود خارج شوند. بدون شک اما این خروج را شرایط جدید و سرمایه‌های تازه‌ای که به سمت تولید می‌روند تقویت می‌کند. بانک مرکزی در آخرین گزارش خود می‌نویسد، شاخص بها در تولید تغییر کرده است و این امر حاکی از روند نزولی تورم در این بخش است، به گونه‌ای که شاخص کل بهای تولیدکننده در مردادماه امسال در مقایسه با تیرماه ۰٫۹ و نسبت به خرداد حدود ۱٫۸ درصد کاهش یافته است. با رسیدن شاخص بهای تولیدکننده در ایران در ماه قبل به ۲۱۶٫۱ تورم ماهانه این بخش در مرداد به ۰٫۸ درصد رسید. این درحالی است که

نگاه چشم‌آبی‌ها به بورس است

ترتیب ۴۰ و ۴۴ درصد از ارزش خرید و فروش بود. ۱۱۶ شرکت عقب‌نشینی کردند هم‌چنین تطبیق سود (زیان) پیش‌بینی شده شرکت‌ها در ماه جاری نسبت به ماه قبل نشان می‌دهد که تعداد ۴۸ شرکت با افزایش، تعداد ۱۱۶ شرکت با کاهش و مابقی شرکت‌ها برابر با ۱۳۸ شرکت، تغییری در سود (زیان) پیش‌بینی شده نداشته‌اند. سود و زیان پیش‌بینی شده شرکت‌ها در پایان مردادماه برابر با ۴۸۱ هزار میلیارد ریال است، که نسبت به تیرماه معادل ۱۷ هزار میلیارد ریال کاهش نشان می‌دهد. در پایان مرداد ۹۴ متوسط سود (زیان) خالص شرکت‌های بورسی به ازای هر سهم برابر با ۵۰۲ ریال بوده است.

در ضمن میزان سود تقسیم شده شرکت‌ها به تفکیک صنعت، از ابتدای سال تا پایان مرداد ۹۴ برابر ۲۳۴ هزار میلیارد ریال بوده، که ۷۳ درصد درآمد (زیان) واقعی شرکت‌ها بوده است. هم‌چنین متوسط سود نقدی برای هر سهم معادل ۳۵۹ ریال را نشان می‌دهد.

با این اوصاف می‌توان نتیجه گرفت که بورس تهران با وجود توافق هسته‌ای هنوز گرفتار تردید و بدبینی است و ترجیح می‌دهد منتظر بماند تا تکلیف اقتصاد ایران با تحریم‌ها یکبار و برای همیشه مشخص شود.

هم‌چنین از ابتدای سال ۹۴، متوسط روزانه حجم و ارزش معاملات به ترتیب برابر با ۷۸۵ میلیون سهم و ۱۵۳۰ میلیارد ریال بوده است.

ارزش بازار هم در پایان مردادماه ۹۴ در مقایسه با تیر امسال ۸۰ هزار و ۸۶۹ میلیارد ریال برابر با ۳ درصد کاهش یافت. بررسی صنایع از نظر ارزش بازار نشان می‌دهد که گروه محصولات شیمیایی با در اختیار داشتن ۲۸ شرکت و ارزش بازار ۷۲۱ هزار میلیارد ریال در رتبه اول قرار دارد، گروه بانک‌ها، موسسات اعتباری و سایر نهادهای پولی با ۳۷۰ هزار میلیارد ریال و فلزات اساسی با ۲۲۹ هزار میلیارد ریال رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند.

این در حالی است که در مرداد ۹۴ تعداد ۶۵۲۱ میلیون سهم به ارزش ۱۰ هزار و ۴۳۵ میلیارد ریال از طریق معاملات الکترونیکی مبادله شده است، که حدود ۲۷ درصد از کل معاملات را شامل می‌شود. براساس معاملات نرمال، در این ماه ارزش سهام خریداری شده اشخاص حقوقی حدود ۱۴۷۸۶ میلیارد ریال و معادل ۵۹ درصد از کل خریده‌ها بود، در حالی که ارزش سهام فروخته شده آن‌ها ۱۳۷۱۳ میلیارد ریال و حدود ۵۵ درصد از کل فروش‌ها بود. بر این اساس در این ماه سرمایه‌گذاری خالص اشخاص حقوقی به میزان ۱۰۷۳ میلیارد ریال ثبت شد. در عین حال میزان خرید و فروش سهام اشخاص حقیقی به

بهار و تابستان هم یخ بورس را باز نکرد

پرونده نیمه اول سال ۹۴ در بورس تهران به‌زودی بسته خواهد شد، البته با کارنامه‌ای نه چندان امیدوارکننده. به این ترتیب در بهاری که گذشت و تابستانی که به خط پایان نزدیک شده، سهام‌داران تالار شیشه‌ای اغلب شاهد افت ارزش سهام خود بوده‌اند. وضعیت شاخص و حجم ارزش معاملات هم نشان می‌دهد که اهالی بازار دست کم فعالان علاقهای به خرید و فروش‌های جدید ندارند؛ در چنین شرایطی عجیب هم نیست که خبری از ورود سرمایه‌گذاران جدید به تالار شیشه‌ای به گوش نمی‌رسد.

تازه‌ترین آمار و ارقام رسمی بورس نشان می‌دهد، که در مردادماه کماکان هم روند شاخص نزولی بود هم دادوستد در بازار رونق نداشت. بر اساس این گزارش شاخص بورس در پایان مردادماه ۹۴ نسبت به ماه پیش از آن ۲۴۱۹ واحد برابر با ۴ درصد کاهش یافت و از ۶۷۶۴۴ واحد به ۶۵۲۲۵ واحد رسید.

مرداد بارخوت گذشت

به این ترتیب در ۲۰ روز کاری مرداد ۹۴، ارزش معاملات در مقایسه با تیرماه ۹۴، ۴۰ درصد کاهش یافت و از ۳۸۵۱۳ میلیارد ریال به ۲۳۱۳۴ میلیارد ریال رسید. هم‌چنین حجم سهام معامله شده از ۱۹ میلیارد و ۴۷۵ میلیون سهم معادل ۵۰ درصد کاهش یافت.



مهم‌ترین حمایت عملی از بورس این است که دولت بالاخره تکلیف اقتصاد با نرخ سود بانکی را مشخص کند، چون در صورت تداوم روند فعلی و عدم کاهش نرخ سودی که بانک‌ها می‌پردازند؛ بعید به نظر می‌رسد بازار سرمایه بتواند توفیقی در رقابت با بانک‌ها به دست آورد

بورس شوکه شد

در این خصوص محمدرضا کفاش پنجه‌شاهی، کارشناس ارشد بازار سرمایه هم معتقد است بورس و سهام‌دارانش پس از اعلام به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای شوکه شده و قدرت واکنش خود را از دست داده‌اند.

به گفته او به نظر می‌رسد بازار منتظر است ببیند که در ماه‌های پیش رو چه اتفاقی خواهد افتاد. در این میان هم مهم‌ترین اتفاق رویارویی رئیس‌جمهور و سنای آمریکا است؛ بعد از این مرحله باید دید که اقتصاد ایران تا چه اندازه برای استفاده از این فرصت برنامه‌ریزی کرده است.

کفاش ادامه داد: بعد از لغو تحریم‌ها همزمان لازم خواهد بود تا اثرات بهبود شرایط به اقتصاد ایران برسد و در ادامه شرکت‌ها از کسب و کار خود سود بیشتری به دست آورند و بعد از آن بتوانند سود بهتری هم به حساب سهام‌دارانشان واریز کنند.

او پیش‌بینی کرد تا پایان امسال هم خبری از بهبودی حال و روز اکثر شرکت‌های صاحب‌نماد در بورس نخواهد بود؛ به عبارت دیگر در بهترین شرایط تاثیر لغو تحریم‌ها سال آینده صورت‌های مالی شرکت‌ها را دچار تغییر و تحول خواهد کرد، بنابراین مراحل تاثیر گذاری این

تحولات تا فصل مجامع سال ۹۶ ادامه خواهد داشت. به گفته او، در فصل مجامع هر سال؛ صورت‌های مالی سال پیش از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین با فرض بهبود حال و روز شرکت‌ها در سال ۹۵، سود این بهبود شرایط در سال ۹۶ به بورس تهران و سهام‌دارانش خواهد رسید.

رقابت بانک و بورس!

این کارگزار بازار سهام با اشاره به کم‌عمق شدن بورس تهران تصریح کرد: مشکل بزرگ بورس به جز تبعات تحریم‌ها، از دست رفتن قدرت رقابت با بانک‌هاست. واقعیت این است که باوجود تاکید دولت و بانک مرکزی، سود حقیقی‌ای که بانک‌ها تحت عناوین مختلف به سپرده‌گذارانشان می‌دهند به ۲۸ درصد هم می‌رسد، بنابراین صاحبان سرمایه دلیلی نمی‌بینند که سپرده‌گذاری بدون ریسک نزد بانک‌ها را رها کنند و سراغ بازاری پرریسک مانند بورس بروند، که سود آن اغلب از نرخ تورم هم پایین‌تر است.

او تنها راه نجات بورس در این شرایط را کاهش واقعی نرخ سود بانکی اعلام کرد و افزود: سهام‌داران هم چاره‌ای ندارند جز این‌که منتظر بمانند تا اثرات تحولات اقتصادی نمود عینی پیدا کنند و حال و روز تولید و صنعت را بهبود دهند.

به گفته کفاش مهم‌ترین حمایت عملی از بورس این است که دولت بالاخره تکلیف اقتصاد با نرخ سود بانکی را مشخص کند، چون در صورت تداوم روند فعلی و عدم کاهش نرخ سودی که بانک‌ها می‌پردازند؛ بعید به نظر می‌رسد بازار سرمایه بتواند توفیقی در رقابت با بانک‌ها به دست آورد.

جذابیت بورس تهران برای خارجی‌ها

او در خصوص احتمال حضور سرمایه‌گذاران خارجی در بورس تهران هم تاکید کرد: اگرچه بورس تهران در مقابل جذابیت بانک‌ها قافیه را باخته و عملاً امکان رقابت با آن‌ها را ندارد اما برای سرمایه‌گذاران خارجی که سود سپرده‌گذاری بانکی در کشورشان بیشتر به سوی صفر میل می‌کند، حضور در بازار سرمایه ایران فرصت مغتنمی به شمار می‌رود.

او افزود: نکته دیگر این‌که نسبت قیمت به درآمد به‌خصوص در بورس‌های اروپایی به‌شدت بالاتر از بازار سهام تهران است، همین موضوع هم بر جذابیت‌های این بورس برای سرمایه‌گذاران خارجی افزوده است. البته تمام این پتانسیل‌ها زمانی عملی می‌شود که سرمایه‌گذار دست کم نگرانی از امنیت سرمایه‌گذاری خود نداشته باشد.

این کارشناس بازار سرمایه تاکید کرد: برای سرمایه‌گذاران خارجی، مهم‌ترین و لازم‌ترین شرط قدرت نقدشوندگی در بازار و امکان سریع خروج اصل مبلغ سرمایه‌گذارانشان از کشور است؛ به این ترتیب در شرایطی که بورس تهران چنین تضمینی را فراهم بیاورد، می‌توان به امکان حضور سرمایه‌گذاران خارجی در تالار حافظ امیدوار بود. حضوری که می‌تواند رونق را به این بازار بیاورد و پای صاحبان نقدینگی ایرانی را هم دوباره به تالار باز کند.

بورس خلاف انتظار واکنش نشان داد

محمدابراهیم قربانی فرید کارشناس ارشد بازار سرمایه هم معتقد است: بورس تهران بعد از اعلام توافق هسته‌ای، واکنشی بر خلاف انتظار نشان داد و تقریباً به‌طور مداوم روی خط نزول حرکت کرد، چون بورس و سهام‌داران فعلاً ترجیح می‌دهند منتظر افزایش سود شرکت‌هایی باشند که در تالار شیشه‌ای صاحب نماد هستند و سهام‌شان در سبد دارایی‌های اهالی بازار جای دارد.

به گفته او واقعیت این است که بورس به‌عنوان ویتترین اقتصاد کشور، زمانی به رونق خواهد رسید که بخش حقیقی اقتصاد از رخوت و زیان خارج شود. چنین تحولی هم با توجه به این‌که شرکت‌های تولیدی عمدتاً یا تعطیل شده‌اند یا نیمه‌تعطیل هستند، چندان قابل تحقق نیست. بر اساس آمار منتشرشده از ۸۲ هزار واحد صنعتی کشور، ۱۲ هزار واحد تعطیل و ۲۲ هزار واحد نیمه‌تعطیل و در نهایت ۱۴ هزار واحد با ۷۰ درصد توان در حال فعالیت هستند؛ این بدان معناست که سود آوری شرکت‌ها به‌شدت کاهش یافته و در نتیجه قیمت سهام آن‌ها هم رو به نزول گذاشته است.

او تاکید کرد: با این اوصاف پرواضح است که اگر تولید از رکود فعلی خارج نشود، بورس هم به دوران رونق باز نخواهد گشت و صرفاً لغو تحریم‌ها گرهی از کار بازار باز نخواهد کرد.

رونق تولید بورس را نجات می‌دهد

قربانی فرید افزود: اگرچه دلیل نزول بورس با وجود توافق هسته‌ای را می‌توان روانی توصیف کرد و به احتمال فراوان بازار به‌تدریج از نزول یک‌سره شاخص فاصله خواهد گرفت اما پایدار شدن بازار تنها زمانی حاصل خواهد شد که شرکت‌های صاحب نماد در بورس، تولید و در ادامه سود خود را افزایش دهند. برای دستیابی به این مهم هم تولید نیازمند تزریق نقدینگی و تامین مالی است یعنی باید از طرف دولت مورد حمایت قرار بگیرند و مواد اولیه مورد نیاز خود را با سهولت بیشتری وارد کنند.

او در خصوص ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی به بورس هم تاکید کرد: یکی از امیدواری‌هایی که امروز بازار دل به آن بسته؛ ورود سرمایه‌های خارجی است البته این موضوع فعلاً در حد حرف باقی مانده اما در ادامه هم باید توجه داشت که در صورت ورود سرمایه‌های خارجی، بازار سرمایه مقصد اول آن‌ها نخواهد بود. به عبارت دیگر تجربه نشان داده که سرمایه‌های خارجی علاقه ویژه‌ای به حوزه نفت، گاز و پتروشیمی نشان می‌دهند و در قدم اول جذب این بازارها می‌شوند اما به‌تدریج می‌توان امیدوار بود که بازار سرمایه هم مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گیرد.

او در پایان تصریح کرد: کلید موفقیت ما در شرایط فعلی افزایش تولید است اما هنوز توفیقی در این زمینه به دست نیاورده‌ایم و این موفقیت هم حاصل نخواهد شد؛ مگر این‌که اقدام جدی صورت گیرد یعنی چاره‌ای نیست جز این‌که دولت به کمک شرکت‌های تولیدی بیاید و منابع مالی مناسبی در اختیارشان قرار دهد و بانک‌ها هم میل بیشتری به ارائه تسهیلات نشان دهند.



اقتصاد ایران

علی ماندگار

بخش خصوصی واقعی، جایگزین رانت و انحصارگرایی

و فراخ کردن محیط آزادی عمل اقتصادی گروه‌های غیر دولتی، همان اجرایی کردن پروژه مردمی‌سازی توسعه در ایران است، که سال‌ها آرزوی در تئوری‌های اقتصادی کشور وجود داشته است. اگر اقتصاد ایران در دوران پساتحریم در موقعیتی قرار گرفته است که می‌تواند رشد و حتی تولدی تازه را مخصوصاً در بخش‌های مولد تجربه کند، بهترین زمان برای مردمی کردن اقتصاد کشور فرارسیده است. مردمی کردن اقتصاد یعنی وزن فعالیت و حضور مستمر گروه‌هایی در اقتصاد کاهش یابد که صاحبان اصلی سودهای اقتصادی محسوب می‌شوند و بدنه مردم و نمایندگان آن‌ها (یعنی گروه‌های غیردولتی) نیز سهم مطلوبی از این سود ندارند. گروه‌ها و تیم‌های بزرگی دولتی و شبه دولتی وقتی به کاسب‌کاری در اقتصاد دست می‌زنند، از یک سو بخش بزرگی از بدنه جامعه هر روز فقیرتر می‌شود و گروه‌های غیردولتی نیز به حاشیه می‌روند و از سوی دیگر گروه‌های کوچکی از جامعه که به نیروهای رانتی اقتصاد وصل هستند، هر روز به لحاظ اقتصادی قوی‌تر می‌شوند. این عدم توازن شکاف طبقاتی و فقر را گسترده می‌کند و در نهایت جامعه با ابتلا به روان‌پریشی اقتصادی، می‌تواند به یک قدرت مخرب و غیرقابل مهار تبدیل شود. برای همین این روزها در کنار موج شادمانی و امیدی که شکل گرفته است، این نگرانی نیز وجود دارد که مبادا در دوران پساتحریم سرعت حرکت جامعه به سمت این روان‌پریشی اقتصادی افزایش یابد. می‌دانیم که در چند سال گذشته اقتصاد ایران درست در روزهای پرشکوه نفتی یک شکاف طبقاتی شدید و به تبع آن آشفتگی روانی را به خاطر شرایط بد اقتصادی تجربه کرده است. پیش از این و در دوران تعدیل اقتصادی، که نرخ تورم تا ۴۹.۵ درصد افزایش یافت نیز اقتصاد ایران فقر و فاصله طبقاتی عمیق را تجربه کرده است. اگر در شرایط جدید اقتصادی، دولتی‌ها و شبه دولتی‌ها بخواهند خود را به شرکای اصلی سرمایه‌گذاری‌ها و گروه‌های سرمایه‌گذاری جهانی تبدیل کنند و بخش خصوصی در انتهای قافله اقتصاد بماند، یک‌بار دیگر پروژه مردمی شدن اقتصاد شکست را تجربه می‌کند و باز هم فقر و نداری طیف گسترده‌ای از بدنه مردم، روی دست جامعه می‌ماند. این اتفاق حتماً پیامدهای ناگواری خواهد داشت. برنامه‌ریزان اقتصادی و گروه‌های شبه دولتی باید به این باور برسند که تداوم فعالیت‌های اقتصادی آنان در میان مدت به این امر بستگی دارد که جامعه نیز از حیث اقتصادی احساس آرامش کند. اگر این‌گونه نشود، فضای پر دست‌انداز توسعه حتماً مطلوبیت لازم را از محیط عملیات اقتصادی آن‌ها نیز سلب می‌کند. باید از فرصت به وجود آمده به نحو احسن استفاده کرد. علم و عمل نوین ثابت کرده است که ایجاد انحصار در گردش سود و بهره‌برداری از پتانسیل‌های اقتصادی، کار را برای همه با گروه‌های زیادی مواجه می‌کند. در شرایط جدید بهترین اتفاق این است که دوران پساتحریم یکبار برای همیشه بخش خصوصی واقعی را به عنوان نمایندگان مردم در صدر بنشانیم و با استفاده از بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و همچنین پتانسیل‌هایی نظیر بورس، واقع‌بینی و شفافیت را به اقتصاد کشور تزریق کنیم، اگر این اتفاق رخ دهد آینده روشنی در انتظار توسعه ایران است؛ آینده‌ای که دیگر در آن از حکمرانی گروه‌های غیرمردمی بر اقتصاد اثری بر جای نخواهد ماند.

چند وقتی می‌شود که فعالان اقتصادی، سیاسی و حتی طیف نه چنان کوچکی از فعالان اجتماعی، تا حد زیادی امیدوار شده‌اند که روند توسعه در ایران تغییر می‌کند و این تغییر را ناشی از دگرگون شدن رابطه ایران با جامعه جهانی می‌دانند. البته بدون شک هر بهبود ارتباطی در عرصه دیپلماتیک می‌تواند زمینه رشد ارزش افزوده اقتصادی را بالا ببرد. این در واقع قانون دنیای امروز است. در روزگار ما اگر هر کشوری بتواند در عین حفظ عزت، استقلال و اقتدار ملی، سطح مناسبات خود را در عرصه‌های بین‌الملل بهینه کند در مدار صعود شاخص‌ها و بهبود نماگرهای اقتصادی قرار می‌گیرد. «زندگی جزیره‌ای» در جهان کوچک‌شده معنایی ندارد، جز این‌که توسعه از پیش یک بازنده است و نمی‌تواند از لاک انحصار و چهارچوب بسته اقتصادهای بومی-تک‌محصولی خارج شود. از همین منظر، پذیرفتن این ادعا که امید به اقتصاد ایران دمیده شده است، امری منطقی به نظر می‌رسد اما از سوی دیگر این چالش نیز وجود دارد که با توجه به خصلت‌های ساختاری در اقتصاد ایران و وجود گروه‌های شبه دولتی و سازمان‌های ریز و درشت دولتی (که سهم بزرگی در بده بستان‌های اقتصادی دارند)، آیا می‌توان باور کرد که امید به ترقی توسعه در ایران به مقصد و مراد و هدف نهایی خود نزدیک شود؟

واقعیت آن است که در پس امید و چشم‌انداز مثبتی که جامعه را در آغوش گرفته است، باید کمی واقع‌بین بود چون اقتصاد و توسعه ایرانی اکنون بیش از هر زمان دیگری به این واقع‌بینی نیاز دارد. واقع‌بینی در مفهوم توسعه، شرط بقای بهره‌مندی از رشد و ترقی محسوب می‌شود. در متون علمی توسعه نیز بر این امر اشاره شده است. ساختن رویا برای پیشرفت و ترقی نه تنها هیچ راهی را به سوی کمال باز نمی‌کند بلکه به‌طور حتم باعث می‌شود تا دست‌اندازهای جدیدی نیز در مسیر توسعه به وجود آیند. باز هم تاکید می‌شود که تغییر جایگاه ایران در جامعه جهانی به‌طور حتم از پیروزی‌های دولت یازدهم و بهترین اتفاق برای اقتصاد کشور طی چند سال گذشته است اما اگر همین اتفاق خوب را با نگاهی واقع‌بین برانداز نکنیم، می‌تواند به یک مصیبت بزرگ‌تر برای توسعه کشور تبدیل شود و پیامد آن نیز فقر و گرفتاری‌های بزرگ‌تر اقتصادی باشد. برای همین ضرورت دارد تا برنامه‌ریزان دولتی اقتصاد از یک سو و فعالان خصوصی اقتصاد از سوی دیگر، به جای آن که فقط به امید به وجود آمده بعد از سال‌های بدرنگ اقتصادی فکر کنند، در این اندیشه باشند که چگونه می‌توان از هزینه شدن فرصت به وجود آمده جلوگیری کرد. البته دولتی‌ها به خاطر جایگاهی که در برنامه‌ریزی‌های کلان و هم‌چنین سهم بزرگی که از اقتصاد کشور دارند، باید بیشتر از سایر نیروهای اقتصاد مسیر استفاده از فرصت به دست آمده را هموار کنند. در نخستین قدم، مسئولین اجرایی باید در پی طراحی راهبردی باشند که اقتصاد ایران را بعد از توافق یا بهتر است بگوییم بعد از افزایش حضور سرمایه‌گذاران خارجی، به بدنه بخش خصوصی متصل کند. این اتفاق باعث می‌شود تا حضور بخش خصوصی در دوران تازه‌ای که برای اقتصاد به وجود آمده، افزایش یابد. به تعبیری دیگر افزایش حضور بخش خصوصی در ساختار اقتصاد پساتحریم

فرداروز سفیدی خواهد بود

نگاهی به اقتصاد ایران قبل از توافق و چشم انداز آن بعد از توافق

توافق و مدت‌های زیادی قبل از آن، همه تحلیل‌گران اقتصادی و سیاسی بر این طبل می‌کوبیدند که اگر ایران بتواند از سد قدرت‌های جهانی عبور و بساط تحریم‌های تحمیلی را جمع کند، جنب‌وجوش و تحرک بزرگی در سطح تعاملات جهانی به وقوع می‌پیوندد و حالا به نظر م‌رسد این پیش‌بینی به واقعیت نزدیک شده است. چون از یک طرف بزرگان اقتصادی جهان به بازاری بکر برای توسعه سرمایه‌گذاری‌های خود نیاز دارند و از سوی دیگر ایران نیز بعد از چند سال عقب‌گرد در شاخص‌های اقتصادی نیاز دارد تا روحی تازه در تن اقتصاد خود بدمد و این ارتباط دو سویه با کشورهای جهان می‌تواند زمینه تحولاتی تازه را کلید بزند. البته در این میان بدون شک اتفاقی که برای اقتصاد ایران رخ می‌دهد، قبل از هر چیز مورد توجه فعالان و دست‌اندرکاران اقتصادی قرار دارد. برای همین شاید بهتر باشد ابتدا پیش از نگاه به تصویر ایران در همین مدت کوتاه بعد از توافق، نگاهی به روزگار سابق اقتصاد کشور داشته باشیم، آن‌وقت حتماً بهتر می‌توان ضرورت تعامل با اقتصاد جهان را درک کرد.

بیست‌وسوم تیرماه سال یک‌هزار و سیصد و نود و چهار چه بخواهیم یا چه احیاناً برای کسی مطلوب نباشد، در تاریخ می‌ماند. در این روز ایران بعد از دو سال گفت‌وگوهای تند و تیز با ۶ قدرت جهانی، توانست به توافق هسته‌ای دست یابد، چیزی که بسیاری از کارشناسان جهانی از آن با عنوان یک پیروزی دو طرفه یاد کردند. یعنی یک پیروزی برای ایران و یک پیروزی هم برای کشورهای بزرگ صنعتی جهان. این در واقع معادل همان جمله‌ای است که در ایران بارها شنیده شد: «توافق هسته‌ای، سناریوی برد-برد را برای جهان به ارمغان آورد. اما فارغ از همه این برداشت‌ها، خیلی کوتاه می‌توان گفت که درست در هنگامه بزرگی که صدای گلوله جهان را پر کرده است، ۶ قدرت جهان با همراهی ایران توانستند به اثبات برسند که هنوز هم گفت‌وگو می‌تواند راهی مطلوب برای تفاهم و درک متقابل باشد. در نگاه نخست، مذاکرات هسته‌ای از یک تقابل تند میان ایران و گروهی از کشورهای جهان جلوگیری کرده است اما در بطن ماجرا ارتباطی در حال شکل گرفتن است، که می‌تواند دامنه تعاملات را در بخش بزرگی از دنیای اقتصادی امروز گسترده‌تر کند. درست بعد از این

روزگار سخت رشد و تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران

در چند سال گذشته اتفاقاتی در اقتصاد ایران رخ داد که شاید برای نخستین بار آسیب‌های زیادی را بر اقتصاد کشور تحمیل کرد. در این دوران از یک سو فرهنگ نو کیسه‌گی به جای تولید ثروت واقعی در کشور جای خود را باز کرد و از سوی دیگر تولید، بازار سرمایه و فعالیت‌های مولد سقوط و بازارهای حاشیه‌ای و دلالی و فعالیت‌های پولی اقتصاد رشد کردند. البته اقتصاد ایران همواره

اما محیط نامساعد اقتصادی امکان تحرک پویا را از آن‌ها سلب کرد. به موازات این واقعیت، بازار سرمایه نیز که باید برحسب تعاریف نوین، توسعه نماد عقلانیت اقتصادی باشد جای خود را در کارآمدی اقتصادی به بانک‌ها داد که آن‌ها نیز با افتادن در ورطه بنگاهداری بخش مهمی از منابع خود را بیرون از حوزه تولید و فعالیت‌های مولد، تا حد زیادی صرف شکل‌گیری فعالیت‌های غیرمولد کردند. نمودار دو نشان می‌دهد که در کنار رشد اقتصادی، تشکیل سرمایه و البته تولید چه روزگاری داشته است.

از مشکلات ساختاری رنج برده است اما در این سال‌ها نحوه مدیریت اقتصاد کشور به نظر می‌رسد سهم بزرگی در افت و نزول شاخص‌های مختلف داشته است. نمودار یک نشان می‌دهد که نتیجه برنامه‌های اقتصادی در دوران مورد بحث سقوط ناگهانی رشد است.

البته این تنها بخشی از ماجراست. به‌طور طبیعی درست هم‌زمان با این سقوط رشد، تشکیل سرمایه نیز در ایران اوضاع نابسامانی را تجربه کرده است. این در حالی است که بنگاه‌های سرمایه‌گذاری با پتانسیل‌های معتبری در ایران وجود دارند



نمودار تشکیل سرمایه-نمودار دو



نمودار رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ (گزارش بانک مرکزی) - نمودار یک

را خواستار شد و پوزش بزرگ خود را رسانه‌ای کرد. پژو یک‌شبه کارشناسان خود را از ایران خارج کرده بود و به همین خاطر می‌گویند اقتصاد کشور حداقل ۸۰۰ میلیون یورو زیان را متحمل شده است. دقیقاً به همین خاطر فابیوس در ایران پیشنهادهایی را مطرح کرد تا شاید پژو بتواند یک‌بار دیگر به چرخه حیات اقتصادی بازگردد. این شرکت در سال گذشته با ضرر ۱۱۴ میلیون یورویی دست به گریبان بود و بیلان مالی شش ماهه اول سال ۲۰۱۵ این گروه فرانسوی نشان می‌دهد که بعد از ۱۴ سال توانسته است تنها به سود ۵۷۱ میلیون یورو برسد. برای همین نشریات فرانسوی بازار بکر ایران را جایی برای نجات پژو معرفی کردند. البته این روند تنها شامل پژو نمی‌شود؛ شرکت‌های دیگری نیز وجود دارند که به همین شکل سعی کرده‌اند تا دل ایران را برای بازگشت و سرمایه‌گذاری مجدد به دست آورند.

در روزهای پس از توافق، بعد از فابیوس خانم فدریکا موگیرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا هم به کشورمان سفر کرد تا قطار مسافرت‌های دیپلماتیک غربی به تهران هم‌چنان پرمسافر باشد. وزیر خارجه صربستان هم پس از مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، دیگر اروپایی‌ای بود که به ایران آمد.

وزیر خارجه ایتالیا که پیش از توافق وین هم به تهران آمده بود، دیگر دیپلمات اروپایی بود که بعد از توافق مهمان وزارت خارجه کشورمان بود. آقای پائولو جنتیلونی پیش از سفر به تهران در سخنانی اظهار داشت: کشورش شریک قابل اعتمادی برای ایران است. توافق هسته‌ای یک فرصت بزرگ است. ایتالیا همواره مناسبات تاریخی و فرهنگی با ایران داشته است.

و البته قرار است هیئت‌هایی از اسپانیا و برخی دیگر از کشورهای اروپایی نیز به‌زودی راهی ایران شوند هرچند بعید نیست وقتی این گزارش را می‌خوانید این اتفاق افتاده باشد.

در این میان، دیدار ظریف با همتای ایتالیایی‌اش سرشار بود از اظهارات مثبت و امیدوارکننده نسبت به آینده مناسبات. در این دیدار بازگشت مناسبات اقتصادی دو کشور به مرز هفت میلیارد یورو تضمین شد.

در میان همه این دیدارها، قبرس نیز پا به میدان گذاشت و جلو آمد. گسترش روابط اقتصادی ایران و قبرس در روزهای بعد از توافق و در جریان ملاقات

منتشر می‌کردند که در حال خوشامدگویی به مسئولی بلندپایه از یک کشور خارجی است. این اتفاق شاید حالا نیز در حال تکرار باشد. تا زمان نگارش این گزارش، یعنی اواسط شهریورماه همواره ترافیک دیدار و میزبانی برای ظریف و حسن روحانی وجود داشته است. به‌تازگی حتی علی لاریجانی، رئیس مجلس نیز به نیویورک سفر کرد و در آنجا از مزیت‌های توافق سخن گفت. او در گفت‌وگو با سی ان ان خاطر نشان ساخت که بعد از توافق و تحت شرایطی حتی این امکان وجود دارد که نگاه ایران به آمریکا بعد از چند دهه تغییر کند. جالب‌تر از این اتفاق بازگشایی سفارت بریتانیا در ایران و سفارت ایران در لندن است. همین چند سال پیش سفارت بریتانیا در ایران بسته شد و سیاستمداران انگلیسی با قاطعیت از خداحافظی با ایران سخن می‌گفتند اما حالا توافق و جذابیت‌های بازار ایران آن‌ها را دوباره به خیابان بایی ساندز تهران برگردانده است. این مسئله باعث شده تا بسیاری از تحلیل‌گران جهانی ایران را با عنوان ویتربین گفت‌وگو و تعامل در جهان پر سر و صدای امروز معرفی کنند. برای همین هر از چندگاهی می‌شنویم که سرمایه‌داران مطرح جهان، خواهان تعجیل دولتمردان خود برای مذاکره و بهبود فضای اقتصادی با ایران شده‌اند. موج فشار و تقاضای سرمایه‌گذاران برای مراقبت از توافق با ایران آن‌قدر زیاد بود که جان کری وزیر امور خارجه آمریکا در مدت کوتاهی بعد از توافق، یعنی در ۱۴ مردادماه اعلام کرد که حتی اگر کنگره این کشور به توافق رای ندهد، همه چیز را باید به نفع مذاکرات تمام‌شده بدانیم چون دیگر نمی‌توان حتی در صورت مخالفت کنگره، تحریم‌ها را به ایران بازگرداند. البته در سیزدهم شهریورماه ۳۷ سناتور دموکرات به توافق هسته‌ای آری گفتند و کاخ سفید، تضمین وتو اوپاما درباره برجام را به دست آورد. در روزها و هفته‌های بعد از توافق تلاش بنز و فولکس از آلمان و شرکت‌های خودروسازی فرانسه مانند پژو و رنو به حدی بود که اکنون میست از شوق هجرت سرمایه‌ها به ایران سخن گفت و اعلام کرد فصل جدیدی برای تعامل اقتصادی به وجود آمده است، که نمی‌توان جلوی آن را گرفت. فرانسه که به خاطر برخورد نا مناسب با ایران در زمان شکل‌گیری تحریم‌های تحمیلی و نحوه خروج پژو از ایران با مواضع جدید خود عملاً یک بخشش تاریخی

بازگشت امید

در چنین حال‌وهوایی مذاکرات ایران با قدرت‌های جهانی به انتها رسید و در چارچوب برد-برد پایان یافت. نخستین واکنش به این نتیجه بلافاصله از سوی سرمایه‌گذاران جهانی اقتصاد شکل گرفت، چون گفت‌وگو پیروز شده بود و آینده نزدیک سرشار بود از وعده محیطی امن برای سرمایه‌گذاری؛ چیزی که سرمایه‌گذاران مدت‌های زیادی در انتظار آن بودند تا بخش بزرگی از دارایی خود را از بازارهای اشباع‌شده به بازار بکر ایران برسانند. این اتفاق برای ایران بازگشت رونق و برای کشورهای بزرگ جهان روزنه‌ای به سمت درآمدهای تازه محسوب می‌شود. مذاکرات در بیست‌وسوم تیرماه پیروز شد و وزیر امور خارجه ایتالیا در ۱۴ مردادماه، به حسن روحانی در کاخ ریاست جمهوری ایران گفت که کشورهای جهان برای میزبانی از رئیس جمهوری ایران رقابت می‌کنند. تا همین چند وقت پیش ایران تجربه‌ای را مزمه می‌کرد، که طی آن تقریباً همه کشورهای اصلی در شکل‌بندی توسعه جهانی سعی می‌کردند تا در سال‌های گذشته در مراودات دیپلماتیک خود از دعوت مدیران دولتی ایران پرهیز کنند. به عبارتی این سخن وزیر امور خارجه ایتالیا شاید بهترین تصویر برای درک این ماجرا باشد که ایران با عبور از روزهای نه چندان خوشایند اقتصادی در حال عبور از دروازه‌ای است که می‌تواند ارمان بزرگی را نیز برای توسعه کشور به همراه آورد. جالب است که بدانیم به فاصله کمتر از دو هفته از پایان مذاکرات، رسانه‌ها از جذب دو میلیارد دلار سرمایه خارجی در ایران خبر دادند. این جدا از موج سفر مقامات بلند پایه کشورهای توسعه یافته است که درست از فردای ۲۳ تیرماه تعامل با ایران را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

تلاش اروپایی‌ها برای حضور فوری در ایران

شاید بی‌راه نباشد اگر بگویم وزارت خارجه ایران بعد از توافق وین سلوغ‌ترین روزهای خود را تجربه می‌کند. در چند سال گذشته سابقه نداشته است که میزهای مختلف این وزارتخانه سرگرم تدارک برنامه‌های میزبانی از مسئولین کشورهای خارجی باشند. این اتفاق حالا رخ داده است. از بعد از توافق تا سه هفته تقریباً به‌طور دائم رسانه‌های خبری عکس‌های محمد جواد ظریف را



صنایع غذایی و تبدیلی، خواستار صدور تولیدات صنعتی این استان به کشورش شد. کاربا هم‌چنین بر حضور سرمایه‌گذاران و تجار ایرانی و سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع تبدیلی سنگال تاکید کرد.

بازی تازه آغاز شده است

همان‌طور که در پیشانی این گزارش نشان داده شد، ایران بعد از چند سال شرایط نامساعد اقتصادی به دورانی رسیده است که می‌تواند دوباره برنامه‌های توسعه خود را با قدرت پی‌گیری کند. این امید هرچند با سفر مسئولین و مقامات بلندپایه کشورهای خارجی به ایران شدت گرفته است، اما بدون تکاپوی شایسته و درخور چنین فضایی از سوی فعالان داخلی اقتصاد، می‌توان گفت که دستیابی به نتیجه مطلوب سخت می‌شود. البته بی‌راه نیست اگر گفته شود دولت این روزها وظایف سنگین تری بر عهده دارد. شاید بهترین کار این باشد که برنامه‌ریزان دولتی به فوریت سند راهبردی برای مدیریت اقتصاد و پتانسیل‌های اقتصادی کشور، صرفاً متعلق به روزهای پساتحریم را آماده کنند تا نتیجه تعاملات اقتصادی در مسیری هدفمند به بار بنشینند. اگر این‌گونه نشود، خطر فرصت‌طلبی گروه‌های رانتی وجود دارد؛ که می‌تواند زمینه طرد شایستگی‌های بخش خصوصی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری را برای حضور مولد در روزهای بعد از تحریم فراهم کند. از سوی دیگر اما بنگاه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز باید دست به کار شوند و زمینه‌های تعامل اقتصادی با کشورهایی را که به سمت ایران می‌آیند فراهم کنند یا در کل، جغرافیای اقتصادی کشورهای معتبر (از لحاظ توسعه) را شناسایی و فهم کنند تا با چشمانی باز در شرایط جدید اقتصادی قرار بگیرند. ایران بدون شک در یک فرایند تاریخی قرار گرفته است، که اگر با عقلایت و به‌دور از مناسبات رانتی با آن مواجه شود، می‌توان گفت برای نسل آینده نیز اکنون این امکان به وجود آمده است تا از عوارض خسارت باررکود اقتصادی برکنار بماند. برای همین باید باور کنیم که بازی تازه‌ای آغاز شده است. کارشناسان می‌گویند بخش خصوصی، بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و در راس آن‌ها بازار سرمایه باید عقل تعیین‌کننده و تجهیزکننده نحوه فعالیت در این فرایند جدید باشند. چنین اظهارنظری حتماً نتیجه نگرش به تجربیات ناخوشایند سال‌های قبل است و چاره‌ای نیست جز این‌که به این تجربه‌ها امروز جدی‌تر بنگریم. در این شرایط حتماً فردا روز سفیدی خواهد بود.

بازدید تایوانی‌ها از بندر بوشهر

در همین مدت و بعد از توافق، مدیرکل بندر و دریانوردی استان بوشهر گفت: «نمایندگان عالی‌رتبه شرکت کشتیرانی WAN HAL تایوان، در راس هیئتی از ظرفیت‌ها و اقدامات صورت‌گرفته در بندر بوشهر بازدید کردند.» شرکت WAN HAL تایوان بیست و یکمین خط لاینر جهان از لحاظ سایز و اولین خط برگزیده قاره آسیا با ناوگانی متشکل از ۹۹ فروند کشتی با ظرفیت ۲۳۰ TEU کانتینر است. تایوانی‌ها به‌تازگی بسیار مشتاق هستند تا سطح مراودات خود را با ایران بالا ببرند.

اندونزی در حال نهایی کردن همکاری با ایران

نسیم تغییر مناسبات اقتصادی با ایران به اندونزی هم رسید. دولت اندونزی بعد از توافق و با فوریت در حال نهایی کردن همکاری با جمهوری اسلامی ایران در بخش انرژی به‌ویژه نفت خام، گاز و قیر است. «سودیرومان سعید» وزیر انرژی و منابع معدنی اندونزی اعلام کرد، یک هیئت از بخش انرژی ایران در آینده نزدیک برای تعمیق همکاری‌های دو جانبه وارد جاکارتا می‌شود.

نخجوان خواستار تامین دارو

وزیر بهداشت جمهوری خودمختار نخجوان نیز بلافاصله بعد از توافق، خواستار تامین داروهای پزشکی و درمانی مورد نیاز این جمهوری از سوی شرکت‌های داروسازی تبریز شد. نیازی نوروزاف در دیدار با استاندار آذربایجان شرقی، گفت: «با توجه به ظرفیت‌های علوم پزشکی و توانمندی تولید انواع دارو در تبریز، علاقه‌مند به همکاری با آذربایجان شرقی برای تامین نیازهای خود در این زمینه هستیم.»

سنگال و ارتباط با ایران

سفیر جمهوری سنگال در ایران نیز بعد از توافق خود را به خبرنگاران رساند و بر توسعه روابط با جمهوری اسلامی به‌ویژه مناسبات اقتصادی و فرهنگی با خراسان رضوی تاکید کرد. «بابا کاربا» در دیدار با رئیس‌نمایندگی وزارت امور خارجه در شمال شرق کشور در مشهد، با توجه به ظرفیت‌های خراسان رضوی در حوزه‌های کشاورزی،

علی عسکری معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان مالیاتی با هریس گنورگیادیس وزیر دارایی قبرس، مورد تاکید قرار گرفت. در پایان این ملاقات، موافقتنامه پیشگیری از دریافت مالیات مضاعف میان طرفین به امضا رسید. اما قبرسی‌ها دائم از تمایل خود برای حضور در ایران بعد از توافق سخن می‌گفتند. به نظر می‌رسد باید نام قبرس را نیز در لیست کشورهای قرار داد که به‌زودی سطح تعامل اقتصادی‌شان با ایران افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران ایرانی باید از حالا و با فوریت طرح و جغرافیای اقتصادی این کشورها را رصد کنند، تا مختصات حرکت اقتصادی خود را نیز بهبود بخشند.

شتاب آسیایی‌ها برای تعامل با ایران

اما فارغ از شوق اروپایی‌ها برای رسیدن به ایران، آسیایی‌ها نیز نشان دادند که نمی‌توانند چشم بر روی ایران بعد از توافق ببندند. در این مدت یکی از هیئت‌های اقتصادی از جمهوری آذربایجان به ایران آمده بود. وزیر صنایع و اقتصاد جمهوری آذربایجان گفت: «باکو به تهران پیشنهاد داده که ایران برای صادرات نفت خام و گاز طبیعی خود به بازارهای جهانی از مسیرها و زیرساخت‌های صادراتی آذربایجان استفاده کند.»

هم‌چنین اکیم بدل‌اف رئیس آژانس ملی صنایع انرژی تجدیدپذیر و جایگزین جمهوری آذربایجان در دیدار با هوشنگ فلاح‌تیمان معاون وزیر نیروی ایران در امور برق و انرژی، از سرمایه‌گذاری در زمینه تولید انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران خبر داد.

سه میلیارد دلار تجارت عراق و ایران

ازسوی دیگر وزیر کشاورزی عراق نیز به مازندران سفر کرد و به خبرنگاران گفت: «با توجه به ظرفیت بالای تولید محصولات کشاورزی در ایران که در استان مازندران مشاهده کردم، رقم مبادلات تجاری میان دو کشور به سه میلیارد دلار افزایش خواهد یافت.»

فلاح حسن زیدان در راس هیئتی برای بازدید از مراکز شیلات، محصولات گوشتی، لبنی و گلخانه‌ای مازندران وارد این استان شد.



گپ وگفتی با دکتر مهدی پازوکی دربارهٔ نیازمندی‌های اقتصادی کشور در شرایط جدید:

سرمایه

شراکت با سرمایه‌های خارجی نیازمند مدیریت‌های توانمند

ایران طی سال‌های اخیر، از نظر روابط بین‌المللی و ارتباط با کشورهای توسعه‌یافته به جز ارتباط با چند کشور حاشیه‌ای و فاقد توسعه مطلوب، روابط خارجی حائز اهمیتی نداشته است، بنابراین لغو تحریم‌ها برای ملت ایران از جهت ارتباط گسترده با جهان خارج یک پیروزی بزرگ محسوب می‌شود.

البته لغو تحریم‌ها فقط شرط لازم برای حل مشکلات اقتصادی است. این مسئله را امروز همه صاحب‌نظران باور دارند و می‌گویند شرط کافی برای برون‌رفت از تمام مشکلات اقتصادی، وجود مدیریت توانا و متکی بر استانداردهای روز است، تا بتواند با راهبردهای خود شرایط جدید را به تاریخی ماندگار برای توسعه کشور تبدیل کند.

به‌طور حتم افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی باعث افزایش تولید، افزایش نرخ رشد اقتصادی و بهتر شدن رفاه اجتماعی جامعه ایران خواهد شد. اما سوال مهم این است که چگونه این اتفاق رخ می‌دهد یا چگونه می‌توان بدون نگرانی از این دوره عبور کرد؟

دکتر مهدی پازوکی، اقتصاددان و از صاحب‌نظران سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور معتقد است: اقتصاد ایران به‌شدت به بخش خصوصی کارآمد و فعال نیازمند است و برای استفاده از توانمندی‌های بخش خصوصی حتماً باید مدیران کلان و دولتی اقتصاد از مدار سنت عبور و مدرن شوند.

با او گپ وگفت کوتاهی داشتیم دربارهٔ پتانسیل‌های اقتصاد ایران و نحوه استفاده از آن در دوران پساتحریم. متن گفت‌وگو در ادامه آمده است.

آقای پازوکی آیا می‌توان در دوران بعد از توافق از رکود خارج شد و به رشد واقعی دست یافت؟

تاکنون عملکرد مثبتی که در خصوص اقتصاد ایران در دولت تدبیر و امید صورت گرفته، این است که فضای بین‌المللی برای ارتباط با جهان خارج مساعد شده، به‌طوری که توافق هسته‌ای وین، والفجر مقدماتی برای ارتباط منطقی‌تر با جهان خارج در چهارچوب منافع ملی است.

مقرر شده که در برنامه ششم توسعه، نرخ رشد اقتصادی به حدود ۸ درصد برسد، که تحقق این میزان رشد اقتصادی در کشور نیازمند به هزار میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی است، که معتقدم اقتصاد ایران می‌تواند حدود ۵۰۰ میلیارد دلار از این میزان سرمایه را از منابع داخلی و نفتی تامین کند و بخش دیگر هم باید از منابع خارجی تامین شود.

هم‌اکنون اقتصاد ایران دارای دو مزیت نسبی است؛ اولی نیروی کار تحصیل‌کرده و ارزان‌قیمت و دومی انرژی ارزان‌قیمت، به‌طوری که قیمت انرژی در ایران حدود ۵۰ درصد فوب خلیج فارس است، بنابراین با توجه به این دو مزیت نسبی که اقتصاد ایران دارد باید از سرمایه‌گذاری خارجی حمایت جدی شود.

دقیقا در مقطع فعلی که اقتصاد گره‌های زیادی دارد و شبه‌دولتی‌ها نیز دائم در انتظار سرمایه‌های جدید هستند، چرا باید از سرمایه‌گذاری خارجی حمایت کنیم؟

ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور باعث انتقال تکنولوژی و هم‌چنین منجر به افزایش نرخ بهره‌وری خواهد شد.

باید گفت که متأسفانه سال‌ها اقتصاد ایران به دلیل بسته بودن، تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات ساختاری در زمینه بهره‌وری سرمایه عملکرد مثبتی نداشته، به‌طوری که روند رشد بهره‌وری سرمایه کاهش یافته است، به همین دلیل برای افزایش نرخ بهره‌وری سرمایه، افزایش کارایی اقتصاد و افزایش نرخ رشد اقتصادی بدون شک به سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی از نوع مستقیم نیازمند هستیم.

سرمایه‌گذاری خارجی باعث بازگشایی بازارهای بین‌المللی به روی اقتصاد ایران می‌شود و با توجه به دو مزیت انرژی ارزان و نیروی کار تحصیل‌کرده، سرمایه‌گذاری در ایران هم‌برای کمپانی‌های بین‌المللی مقرون به صرفه خواهد بود و هم باعث افزایش نرخ رشد اقتصادی و به دنبال آن افزایش درآمد سرانه و در نهایت افزایش رفاه اقتصادی جامعه ایران خواهد شد.

تنها اشخاصی که از وجود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران ضرر می‌کنند دلانان، واسطه‌گران، سوداگران و افرادی هستند که می‌خواهند ایران در انزوای بین‌المللی بماند.

به‌عنوان مثال، شرکت آمریکایی آرامکو در صنعت نفت عربستان سعودی سرمایه‌گذاری کرده و در حال حاضر مشغول به فعالیت است، هزینه تولید هر بشکه نفت خام این شرکت در عربستان با وجود استفاده از تکنولوژی بالا، بین یک تا یک و نیم دلار است، اما هزینه تولید هر بشکه نفت خام شرکت‌های چینی مستقر در منطقه عسلویه ایران بیش از ۵ دلار است.

بنابراین اگر با حمایت بخش دولتی و خصوصی شرکت‌های کشورهای توسعه‌یافته مانند شرکت‌های

ژاپنی، کانادایی، آمریکایی و آلمانی وارد منطقه شوند، به نفع منافع ملی خواهد بود به طوری که این امر باعث افزایش بهره‌وری سرمایه، انتقال تکنولوژی و بازگشایی بیشتر بازارهای بین‌المللی به روی اقتصاد ایران می‌شود. به‌عنوان یک کارشناس اقتصادی اعتقاد عمیق دارم که در شرایط فعلی و پس از حل شدن مناقشات اتمی، باید سیاست اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران سیاست برد-برد اقتصادی با جهان غرب باشد. به طوری که حفظ منافع متقابل باعث شکوفایی اقتصادی ایران می‌شود.

سیاست برد- باخت و سیاست باخت- باخت در دنیای مدرن امروز منسوخ شده است، بنابراین راهی به‌جز پیشرفت اقتصادی ایران نداریم و برای پیشرفت اقتصادی، حق جامعه ایران است که از علم و اقتصاد درست استفاده کند.

به‌عنوان مثال امروز در دنیا، دو نوع سیستم حکومتی در شرق آسیا وجود دارد. یکی حکومت بسته و حکمرانی بد به نام کره شمالی و دیگری حکمرانی خوب به نام کره جنوبی. هر دوی این کشورها دارای یک زبان و در یک منطقه آب‌وهوایی هستند، اما در حال حاضر تولید ناخالص داخلی کره شمالی ۵۰ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی کره جنوبی بیش از ۱۱۰۰ میلیارد دلار است. به عبارتی تولید ناخالص داخلی کره جنوبی بیش از ۶ برابر تولید ناخالص داخلی کره شمالی است. سیستم مدیریتی علمی و کارشناسانه کره جنوبی باعث شده که این کشور بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار صادرات صنعتی داشته و جزو دوازدهمین اقتصاد بزرگ دنیا باشد.

بنابراین اگر سیستم اداری جامعه، تعامل منطقی با جهان در چهارچوب منافع ملی باشد، بدون شک اقتصاد ایران موفق خواهد شد.

امروزه کشورهای آسیای شرقی به‌ویژه چین از تکنولوژی غرب برای افزایش بهره‌وری سرمایه، افزایش کارایی اقتصاد و نرخ رشد اقتصادی استفاده می‌کنند. بنابراین معتقدم مادامی که ایران به سمت کشورهای چین و روسیه می‌رود، نمی‌تواند حداقل در منطقه خاورمیانه یک الگوی اقتصادی باشد، به همین دلیل استفاده از تکنولوژی غرب برای رسیدن به نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی بسیار ضرورت دارد.

با توجه به پتانسیلی که اقتصاد ایران از لحاظ منابع طبیعی، نیروی انسانی تحصیل کرده و موقعیت جغرافیایی دارد، حق ملت ایران است که رتبه اقتصادی کشور در جهان بالاتر رود. به طوری که کشور بالقوه می‌تواند سرآمد منطقه آسیای جنوب غربی و منطقه خاورمیانه باشد، بنابراین اگر برخورد علمی و خردمندانه با مشکلات اقتصادی صورت گیرد و کشور با سیستم شایسته‌سالاری اداره شود، به‌عنوان یک اقتصاددان آینده ایران را بسیار خوب پیش‌بینی می‌کنم.

آقای بازوکی آیا سرمایه‌گذاری مشترک شرکت‌های خارجی با شرکت‌های شبه‌دولتی پس از لغو تحریم‌ها باعث فقیرتر شدن جامعه می‌شود؟

بله. بدون شک سرمایه‌گذاری مشترک شرکت‌های خارجی با شبه‌دولتی‌ها باعث افزایش شاخص ضریب جینی در جامعه خواهد شد.

معتقدم اقتصاد ایران به‌شدت به بخش خصوصی کارآمد و فعال نیازمند است. متأسفانه برخی از نهادهای مالی و موسسات مالی غیرمجاز که با حمایت دولت طی سال‌های اخیر در اقتصاد ایران قدرت گرفته‌اند، برای اقتصاد ایران مانند خوره خطرناک هستند.

بخش خصوصی واقعی باید در کشور قدرتمند شود،



معتقدم اقتصاد ایران به‌شدت به بخش خصوصی کارآمد و فعال نیازمند است. متأسفانه برخی از نهادهای مالی و موسسات مالی غیرمجاز که با حمایت دولت طی سال‌های اخیر در اقتصاد ایران قدرت گرفته‌اند، برای اقتصاد ایران مانند خوره خطرناک هستند.

متأسفانه در حال حاضر بخش خصوصی از توسعه‌یافتگی می‌ترسد، به طوری که برخی از تولیدکنندگان توانایی سرمایه‌گذاری در استان‌ها را دارند، اما به دلیل وجود مشکلات و موانع در دیگر کشورها چون چین و آلمان سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

معتقدم زمانی اقتصاد ایران به سمت توسعه پیش می‌رود که شرکت‌های خصوصی در اشل‌های بین‌المللی داشته باشیم. متأسفانه در ایران یک شرکت درحد استاندارد بین‌المللی وجود ندارد، درحالی که در کره جنوبی شرکت‌های بزرگی مانند سامسونگ، ال جی، هیوندا و کیا موتور وجود دارد، که این شرکت‌ها دارای استاندارد جهانی و شعب بین‌المللی هستند.

بنابراین حمایت از بخش خصوصی به‌ویژه در حوزه تولید بسیار ضرورت دارد، اما این حمایت نباید مانند حمایت از شرکت‌های خودروسازی است، زیرا حمایت‌های غیرمنطقی باعث عقب‌ماندگی می‌شود. متأسفانه در حال حاضر حمایت‌های رانتی و غیرمنطقی از بخش‌های صنعتی، باعث عقب‌ماندگی اقتصاد شده است. بنابراین برای ایجاد رقابت در بازار باید به سمت اشل‌های بین‌المللی حرکت کنیم، که این امر نیازمند به ورود تکنولوژی در پی سرمایه‌گذاری مشترک شرکت‌های خصوصی با شرکت‌های خارجی معتبر است.

آیا مدیران مطابق با شرایط جدید اقتصادی کشور باید به‌روز شوند یا خیر؟

سوال بسیار خوبی کردید. به‌طور حتم مدیران با توجه به شرایط جدید اقتصادی کشور در دوران پساتحریم، باید روش مدیریتی خود را تغییر دهند.

چگونه مدیران باید خود را به‌روز کنند؟

منظور از تکنولوژی فقط واردات دستگاه پیچیده

به کشور نیست، بلکه مدیریت یک علم است و ورود تکنولوژی مدیریت به کشور در دوران پساتحریم بسیار ضرورت دارد.

مشکل کنونی اقتصاد ایران این است که می‌خواهیم با روش مدیریت سنتی یک جامعه صنعتی را اداره کنیم، که این امر کشور را دچار تضاد می‌کند. جهان مدرن را اندیشه‌های مدرن اداره می‌کند نه ابزارهای مدرن.

اگر از تکنولوژی اطلاع‌رسانی، تکنولوژی مدیریت، برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی براساس مبانی علمی استفاده کنیم، بی‌شک اقتصاد ایران موفق خواهد شد.

به‌عنوان مثال با توجه به کاهش جهانی قیمت نفت باید وابستگی اقتصاد ایران و درآمد دولت به نفت کاهش پیدا کند و برای اجرای این امر باید راهکارهایی در دستور کار دولتمردان قرار گیرد.

منبع اصلی درآمد دولت در تمام کشورهای توسعه‌یافته مثل اتحادیه اروپا، آمریکا، ژاپن و کره مالیات است. برای این که سیستم مالیاتی کشور کارآمد شود و از صاحبان درآمد مالیات دریافت کنیم، نیازمند تکنولوژی مدرن اطلاعاتی هستیم. به طوری که این تکنولوژی هم‌زمان میزان سودی را که واسطه‌گران به‌محض ورود کالای خارجی از مرز تا رسیدن به دست مصرف‌کننده کسب کرده‌اند، کنترل می‌کند.

نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی یک شاخص اقتصادی در دنیا محسوب می‌شود، که این نسبت در اقتصاد ایران حدود هفت و نیم درصد است درحالی که این نسبت در سایر کشورهای دولت سرویس ۲۵ درصد و در کشورهای چون دانمارک، اسکاندیناوی، سوئد و نروژ ۵۰ درصد است.

بنابراین باید برای شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی و تحت تاثیر قرار نگرفتن اقتصاد در راستای شوک‌های نفتی، به سازماندهی سیستم وصول مالیاتی نیازمند هستیم که این امر با مدیریت سنتی امکان‌پذیر نخواهد بود.

متأسفانه در حال حاضر مدیریت سنتی در بخش‌های اساسی اقتصاد ایران حاکم است، به طوری که اگر مدیریت علمی، سیستماتیک و شایسته‌سالاری حاکم شود، بسیاری از مشکلات اقتصادی ایران حل خواهد شد.

یکی از مشکلاتی که در حال حاضر دولت آقای روحانی دارد؛ این است که مدیریت میانی تغییری نکرده است. یکی از ایرادات اساسی دولت گذشته این بود که اشخاص غیرمتخصص و فاقد دانش علمی لازم در برخی از مدیریت‌های سطح بالا و مدیریت بخش میانی فعالیت داشتند.

دانشمندان بسیار مجربی در ایران وجود دارد اما متأسفانه در بخش‌های مدیریت اقتصادی کمتر از این اشخاص استفاده می‌شود. بنابراین اگر با روش مدیریت شایسته‌سالاری فارغ‌التحصیلان رشته اقتصاد جذب بخش‌های اقتصادی کشور شوند، به‌طور حتم ایران آینده اقتصادی روشنی پیدا خواهد کرد.

در مجموع حاکمیت مدیریت علمی، سیستمی و کارشناسی بر نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور نقش بسزایی در افزایش کارایی سیستم اقتصادی خواهد داشت.

ضرورت‌های اقتصاد ایران بعد از توافق در گفت‌وگو
با محمدقلی یوسفی، استاد دانشگاه

توسعه صنعتی؛ فرستی که نباید از دست داد

اقتصاد ایران

سوگند چاوشی

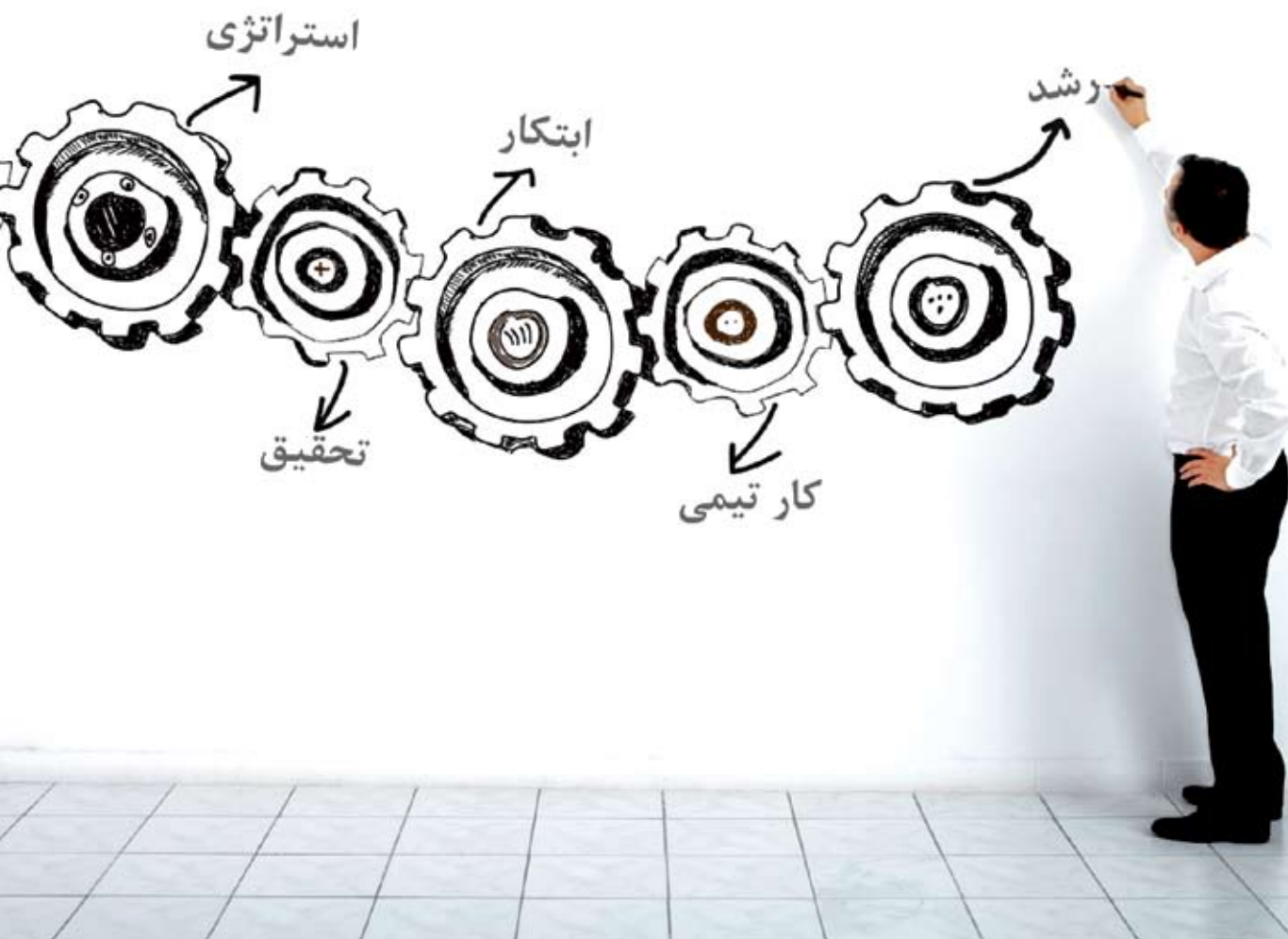
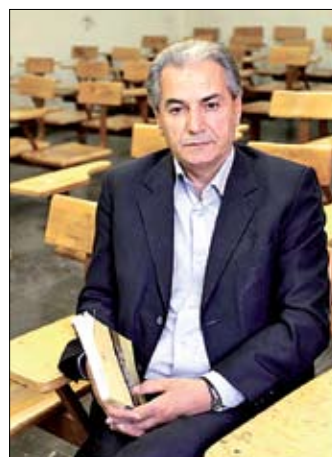
این روزها همه از اقتصاد ایران سخن می‌گویند. اقتصادی که طی سال‌های گذشته فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده و حالا به نقطه‌ای رسیده است که بسیاری از فعالان اقتصادی با امید به آینده به آن نگاه می‌کنند. بدون شک توافق هسته‌ای نقش بسیار زیادی در تغییر رنگ اقتصاد ایران داشته است، برای همین کارشناسان از این توافق با عنوان نقطه عطف در تاریخ اقتصادی کشور یاد می‌کنند. البته این تنها بخشی از ماجراست. از سوی دیگر این موضوع نیز مطرح می‌شود که توافق اگر امید را به اقتصاد ایران تزریق کرده، این هشدار

را نیز شکل داده که اگر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران نتوانند سطح توانایی خود را در مواجهه با پیامدهای پساتحریم ارتقا دهند، دوباره همان شرایط قدیمی برای شاخص‌ها تکرار می‌شود. در گفت‌وگوی کوتاه زیر، دکتر محمدقلی یوسفی، استاد دانشگاه به بخشی از این چالش‌ها اشاره کرده است.

او می‌گوید: «در هیچ جای دنیا دستورالعملی برای مدیریت بنگاه خصوصی صادر نمی‌شود، به همین دلیل این که یک مدیر چگونه شرایط اقتصادی کشور را در درون پساتحریم ارزیابی می‌کند به خودش بستگی دارد.»

متن کامل این گفت‌وگو در ادامه آمده است:

این روزها همه از اقتصاد ایران سخن می‌گویند. اقتصادی که طی سال‌های گذشته فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده و حالا به نقطه‌ای رسیده است که بسیاری از فعالان اقتصادی با امید به آینده به آن نگاه می‌کنند. بدون شک توافق هسته‌ای نقش بسیار زیادی در تغییر رنگ اقتصاد ایران داشته است، برای همین کارشناسان از این توافق با عنوان نقطه عطف در تاریخ اقتصادی کشور یاد می‌کنند. البته این تنها بخشی از ماجراست. از سوی دیگر این موضوع نیز مطرح می‌شود که توافق اگر امید را به اقتصاد ایران تزریق کرده، این هشدار



آقای یوسفی، شما به عنوان کارشناس مسائل اقتصادی، مشکل کنونی اقتصاد ایران را در مواجهه با دوران پساتحریم چگونه تحلیل می‌کنید؟ به نظر شما چگونه می‌توان از سرمایه‌های ملی و همچنین نشاط به وجود آمده بعد از توافق، برای تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی استفاده کنیم؟

قبل از هر چیزی باید یادآوری کنم که توسعه امری چندبعدی است، یعنی توسعه هم در زمینه مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و هم در زمینه موضوعات اقتصادی باید مورد توجه جدی قرار بگیرد. مهم‌ترین رکنی که اقتصاد ایران در دوران پساتحریم می‌تواند به آن اتکا کند تا توانایی خود را برای مواجهه با شرایط جدید ارتقا دهد، توسعه بخش‌های مولد یا بخش‌های تولیدی است، به طوری که بخش‌های کشاورزی و صنعت در اولویت قرار بگیرند. تمام کشورهایی که پیشرفت کرده‌اند، ابتدا صنعتی شده‌اند و بعد از صنعتی شدن به سمت خدمات رفته‌اند. به طور کلی نمی‌توانیم بدون صنعتی شدن به رشد اقتصادی از طریق تغییرات تولید ناخالص داخلی برسیم و به سمت بخش‌های مولد حرکت کنیم.

اقتصاد می‌تواند رشد کند اما ممکن است این رشد اقتصادی رشد بدی باشد. کشور نیازمند به رشد اقتصادی خوب است. رشد اقتصادی خوب تنها از طریق توسعه صنعتی و از طریق توسعه بخش‌های مولد کشاورزی امکان‌پذیر است، که این امر منجر به افزایش کارایی اقتصاد، افزایش بهره‌وری و افزایش نرخ اشتغال می‌شود و به رشد پایدار ناآل می‌شود. اما رشد اقتصادی بد هم می‌تواند اتفاق بیفتد و این رشد در تولید ناخالص داخلی دیده نشود. تولید ناخالص داخلی می‌تواند رشد کند اما این رشد بد و مخرب باشد، که ناشی از بخش‌های واسطه‌گری مالی، دلالی، خدمات یا مسکن است، هم‌چنین رشد اقتصادی می‌تواند در نتیجه بوروکراسی عریض و طویل اداری دولت و هزینه‌های دولتی صورت گرفته باشد. به طور حتم باید اقتصاد کشور رشد خوبی داشته باشد، زیرا رشد اقتصادی بد و مخرب برای کشور بسیار پرمخاطره و پرهزینه خواهد بود، به طوری که اصلاح این ساختار در مراحل بعدی با هزینه بسیار هنگفتی برای ملت تمام می‌شود.

اگر کشور خواهان رشد اقتصادی است و می‌خواهد بهترین حضور را در دوران پساتحریم تجربه کند، باید بخش‌های تولیدی در اولویت قرار گیرند و انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش تولید به‌ویژه بخش‌های صنعت و کشاورزی فراهم شود. بنابراین تمام

سیاست‌های اقتصادی باید حول توسعه بخش‌های مولد صنعت و کشاورزی بچرخد و هیچ هدفی غیر از این امر نمی‌تواند برای توسعه اقتصادی ترسیم شود. تدوین سیاست‌های پولی و مالی یا تجاری باید با نگاه به توسعه صنعتی باشد و این تنها راه نجات ایران از وابستگی به درآمدهای نفتی، رشد انگلی اقتصاد، گسترش دیون‌سالاری اداری و بوروکراسی عریض و

اقتصاد می‌تواند رشد کند اما ممکن است این رشد اقتصادی رشد بدی باشد. کشور نیازمند به رشد اقتصادی خوب است. رشد اقتصادی خوب تنها از طریق توسعه صنعتی و از طریق توسعه بخش‌های مولد کشاورزی امکان‌پذیر است، که این امر منجر به افزایش کارایی اقتصاد، افزایش بهره‌وری و افزایش نرخ اشتغال می‌شود و به رشد پایدار می‌انجامد

طویل اداری است.

به طور حتم توسعه صنعتی باعث ایجاد اشتغال و توزیع عادلانه قدرت سیاسی در کشور می‌شود و هم‌چنین کمک می‌کند که شهروندان و مردم، دانش و سرمایه خود را در مشارکت فعال در توسعه صنعتی به کار گیرند، که این امر باعث شکوفایی اقتصاد می‌شود. متأسفانه تاکنون دولت این نوع سیاست را دنبال نکرده است، بنابراین معتقدم دولت باید سیاست‌های اقتصادی خود را به صورت بنیادی تغییر دهد.

دولتمردان نباید به جای اصلاح ساختار اقتصادی به دنبال جلب توجه نهادهای پولی بین‌المللی باشند، که مثلاً فقط این نهادهای بین‌المللی بگویند سیاست‌های اقتصادی ایران در جهت کنترل نرخ تورم بسیار خوب است. یعنی گاهی به جای نگاه به سمت داخل و ملاک قرار دادن رضایت و لبخند مردم - برای بعضی بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و فعالان اقتصادی -

لبخند خارجی‌ها پرارزش‌تر باشد؛ که باید از این امر پرهیز کنیم.

فعالان اقتصادی این روزها از یک نگرانی بزرگ سخن می‌گویند. این که سرمایه‌هایی که به ایران می‌آیند شریک شبه‌دولتی‌ها شوند. یا سرمایه‌های آزاد شده صرف اقتصاد مردمی یا خصوصی نشود. این مسئله یکی از چالش‌های دوران پساتحریم است. اگر این اتفاق رخ دهد جامعه ایران فقیرتر نمی‌شود؟

بله. سرمایه‌های ارزی که وارد ایران می‌شوند یا خلق می‌شوند، متعلق به نسل‌های آینده است به طوری که در حقیقت ما وارث این منابع مالی هستیم و

باید منافع نسل‌های آینده تامین شود. بنابراین سرمایه‌های ارزی آزاد شده پس از لغو تحریم‌ها، باید در جهت توسعه صنعتی و ایجاد بخش‌های مولد به کار گرفته شود تا ثمرات آن به نسل‌های آینده تعلق پیدا کند.

ما این حق را نداریم که این سرمایه‌های آزاد شده را صرف واردات کالا کنیم یا در بخش‌های غیرمولد به کار گیریم، به طوری که بخشی از این منابع مالی باید در جهت انتقال تکنولوژی و تولیدات صنعتی و بخش دیگر در جهت توسعه زیرساخت‌ها به‌ویژه شبکه ریلی بین شهرها، مناطق مهم اقتصادی و هم‌چنین روستاها به کار گرفته شود، که اثرات بلندمدت و دائمی دارد. به طور کلی این منابع مالی نباید صرف منابع نفت و گاز، پتروشیمی یا مواد خام شود زیرا استفاده از منابع ارزی در این زمینه‌ها باعث افزایش ضریب جینی و شکاف طبقاتی در کشور خواهد شد. هم‌اکنون کشور به سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند است، به طوری که سرمایه‌گذاران خارجی باید در بخش‌های خصوصی واقعی به‌ویژه بخش تولیدی صنعت جذب شوند، یعنی بخش خصوصی باید زمینه‌های لازم را برای دعوت از سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کند، تا این سرمایه‌گذاران در بخش صنایع کارخانه‌ای سرمایه‌گذاری کنند و بخش خصوصی هم از آن دارایی‌ها برای توسعه کشور استفاده کند.

آقای یوسفی آیا مدیران مطابق با شرایط جدید اقتصادی کشور باید به‌روز شوند؟

اگر روش مدیریتی یک مدیر غلط باشد، ضرر می‌کند و بنگاه او ورشکسته می‌شود و اگر هم درست باشد موفق خواهد شد. بنابراین در هیچ جای دنیا دستورالعمل برای مدیریت بنگاه خصوصی صادر نمی‌شود. منتها باید زمینه‌های لازم برای رشد و بالندگی این بنگاه‌ها فراهم شود.

در یک اقتصاد آزاد باید تا حدی شرایط آزمون و خطا وجود داشته باشد، تا بنگاه‌ها بتوانند فکر کنند و دست به سرمایه‌گذاری‌های پرمخاطره بزنند و موقعیت خود را بسنجند. معتقدم شرایط کنونی کشور نیازمند به تقویت بخش‌های خصوصی در حوزه تولید به‌ویژه صنعت و کشاورزی است.

متأسفانه در ایران بخش خصوصی را بیشتر دلالان، واسطه‌گران مالی یا تجاری و واردکنندگان می‌گردانند، در حالی که بخش خصوصی شامل همه افراد است و هر جا که صحبت از حمایت بخش خصوصی می‌شود، بیشتر بخش‌های تولیدی مد نظر است. این بخش خصوصی است که با سرمایه‌گذاری تولیدی و در رقابت با دولت اشتغال ایجاد می‌کند و باعث افزایش حجم تولید، ایجاد تنوع در نوع محصول و گسترش فعالیت‌های تولیدی در کشور می‌شود. بنابراین وقتی صحبت از بخش خصوصی می‌شود، حمایت از بخش خصوصی به‌ویژه حمایت در بخش تولید است که باید همواره مد نظر قرار گیرد.



سرمایه‌گذاران به درآمدهای ناشی از
گردشگری توجه کنند

گردشگری، صنعتی برای فردای اقتصاد



دهم جاذبه‌های باستانی و تاریخی و رتبه پنجم جاذبه‌های طبیعی را در جهان دارد، با این وجود سهم ایران از درآمدهای صنعت گردشگری در جهان کمتر از یک درصد است که رقم بسیار اندکی محسوب می‌شود. البته این فقط بخشی از سناریوی گردشگری است. سازمان جهانی گردشگری هم‌چنین در گزارش خود می‌نویسد که به ازای ورود هر گردشگر، ۹ فرصت شغلی ایجاد می‌شود. حالا در نظر بگیرید در کشوری مثل ایران که از معضل بی‌کاری رنج می‌برد، اگر صنعت گردشگری فعال شود چه کمک بزرگی می‌تواند به رفع بی‌کاری باشد.

در حال حاضر و بر اساس آخرین برآوردهای موجود در سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، سهم ایران از درآمدهای ناشی از این صنعت ۶،۵ میلیارد دلار ارزیابی می‌شود، که رئیس این سازمان با اشاره به این درآمد می‌گوید که سهم ایران از درآمدهای گردشگری کمتر از یک درصد و چیزی حدود نیم درصد محاسبه می‌شود. آیا واقعا کشوری با پتانسیل‌های گردشگری ایران باید چنین سهمی از ثروت گردشگری جهان را به خود اختصاص دهد؟ در حال حاضر رقابت برای جذب گردشگر و افزایش سهم درآمدهای ناشی از گردشگری نیز به یکی از رقابت‌های فشرده اقتصادی تبدیل شده است. کشورهای جهان در واقع هر کدام سعی می‌کنند با توانمندسازی محیط کسب‌وکار، بالا بردن سطح سلامت بهداشتی، ایجاد فناوری‌های نوین و سایبری، گشایش بین‌المللی و پایداری‌های محیطی، آسان‌سازی طرق مختلف حمل‌ونقل و گشایش در استفاده بهینه از منابع طبیعی و منابع فرهنگی، به سمتی بروند که توان رقابت بیشتری در صنعت



یکی از فعالیت‌های اقتصادی که به نظر می‌رسد برای آینده‌ای نه چندان دور می‌تواند بازار گرمی در اقتصاد ایران داشته باشد، صنعت گردشگری است. مخصوصاً این‌که شرایط دیپلماسی اقتصادی کشور نیز در حال پوست انداختن است و ورق بعد از توافق هسته‌ای برای اقتصاد ایران برگشته است. به همین خاطر است که این روزها نام صنعت گردشگری نیز در لیست فعالیت‌های اقتصادی که بنگاه‌های سرمایه‌گذاری باید به آن توجه داشته باشند، جایگاه خاصی یافته است. البته پیش از این و طی چند دهه گذشته، همواره اندیشمندان اقتصادی از صنعت گردشگری با عنوان روی دیگر سکه اقتصاد ایران یاد کرده‌اند که در صورت گرم شدن تنور آن، درآمدهای ناشی از این صنعت می‌تواند حتی با درآمدهای نفتی کشور نیز رقابت کند. اما با این وجود درست در همین سال‌ها بنا بر دلایلی که خیلی وقت‌ها اقتصادی هم نبودند، صنعت گردشگری در حاشیه قرار گرفته است. با این وجود اما باید تغییراتی را که در راه هستند باور کرد و قدرت صنعت گردشگری، به‌عنوان یکی از مولفه‌هایی که می‌تواند بودجه ایران و در نمایی کلی و واقعی

اقتصاد کشور را از نفت نجات دهد، شناخت. این کاری است که بسیاری از کشورهای دیگر نیز انجام داده‌اند. در دنیای امروز کشورهایی که موقعیت گردشگری ایران را ندارند به گونه‌ای در صنعت گردشگری فعال شده‌اند و موانع توریست‌پذیری را هموار کرده‌اند که درآمدی به‌مراتب بیشتر از ایران از این صنعت به دست می‌آورند ولی در نقطه عکس، اقتصاد ایران با در اختیار داشتن همه مواهب گردشگری باید در بخش‌های انتهایی لیست کسب درآمد از این صنعت بنشیند. بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری، ایران رتبه



گردشگری را تغییر بدهند. بر اساس همین نگاه، ما از چند فعال بازار و تحلیل‌گران اقتصادی پرسیدیم که به نظر آن‌ها در آینده چگونه باید با صنعت گردشگری مواجه شد و آیا می‌توان به‌عنوان یک قطب سرمایه‌گذاری به این صنعت نگاه کرد؟ رضا حسینی از فعالان بازار در این باره می‌گوید: اگر مسئولین دولتی و سایر نهادهای حاکمیتی فقط کمی رویکرد خود را در مورد صنعت گردشگری تغییر دهند، بعد از گشایش‌هایی که در حوزه دیپلماسی به وقوع می‌پیوندد می‌توان به جرات گفت که گردشگری یکی از بهترین گزینه‌ها برای سرمایه‌گذاری است و با تحول در نگاه سیاست‌گذاران می‌توان سرمایه‌گذاری‌های خوبی در این صنعت داشت. وی ادامه می‌دهد: البته بنگاه‌های سرمایه‌گذاری نیز باید روی این صنعت مطالعه کنند. اگر تحریم‌ها رفع شود، حضور در صنعت گردشگری و ساخت‌وسازهای عمرانی در این صنعت حتماً با سودآوری زیادی همراه است. ناصر یزدانی از فعالان بازار سرمایه نیز این‌گونه به پرسش ما پاسخ می‌دهد: حتماً بنگاه‌های گردشگری اگر شکل بگیرند می‌توانند سودآوری‌های بزرگی را تجربه کنند. سرمایه‌گذاران ما باید به سمت ایجاد هلدینگ‌های گردشگری بروند. مجتمع‌های تجاری، تفریحی، اقامتی و درمانی برای صنعت گردشگری می‌تواند به لحاظ سودآوری با هر صنعت دیگری رقابت کند.

وی می‌گوید: باز شدن فضای ارتباط با کشورهای دیگر در واقع بازاری هم در حوزه گردشگری به وجود می‌آورد که سرمایه‌گذاران نباید از آن غافل شوند. اگر این‌گونه شود سرمایه‌گذاران خارجی گوی سبقت را از ما و در داخل کشور خودمان می‌ریابند.

علی‌رغمی از فعالان بازار ساختمان نیز این سخنان را تایید می‌کند. او می‌گوید که در آینده خیلی‌ها از این‌که برای حضور در صنعت گردشگری دیر اقدام کردند حسرت می‌خورند. بعد از این‌که ما در گفت‌وگو با قدرت‌های بزرگ برنده شویم، در واقع نشان داده‌ایم که پتانسیل بزرگی در گفت‌وگو داریم، همین مسئله موج سرمایه‌گذاران و گردشگران را به ایران می‌آورد، که در حال حاضر امن‌ترین کشور منطقه هم محسوب می‌شود.

رضا نادری از دیگر فعالان بازار نیز می‌گوید: فقط کافی است به اطراف خود نگاه کنید، آن‌وقت می‌بینید که ما چقدر در رابطه با صنعت گردشگری ضعیف هستیم. در حال حاضر و در شهرهای بزرگ ایران چند درصد هتل‌های مدرن و نوین برای گردشگران ساخته شده است. مراکز تفریحی مانند پارک‌های بازی تا چه حد مطابق با استانداردهای جهانی وجود دارد. محیط زیست و منابع فرهنگی ما آیا توانسته‌اند خود را برای پذیرایی از گردشگران آماده کنند؟ این چالش‌ها در کنار ده‌ها چالش دیگر به ورود و حضور سرمایه‌گذاران نیاز دارد، تا این صنعت به مرحله سودآوری برسد. باور کنید در شرایط نوین اقتصادی به‌زودی همه به این نتیجه می‌رسند که یکی از بهترین حوزه‌ها برای سرمایه‌گذاری همین صنعت گردشگری است.

گردشگری جهانی داشته باشند، برای همین از دهه نود میلادی تا به امروز، بخش گردشگری با رشدی بیش از دوبرابر همراه بوده است. این افزایش هم در سطح گردشگران بین‌المللی و هم مقدار خرج کردن آن‌ها به‌وضوح دیده می‌شود. طبق گزارش سازمان جهانی گردشگری (UNWTO, ۲۰۱۴)، بخش گردشگری توانسته ۹ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورها، اشتغال‌زایی در حد یک نفر از هر ۱۱ نفر، درآمد صادراتی بالغ بر ۱.۴ تریلیون دلار، ۶ درصد از صادرات جهانی و ۳۰ درصد از صادرات از نوع خدمات‌محوری را به خود اختصاص دهد. شورای جهانی مسافرت و گردشگری (WTTC) به‌عنوان مجمع مهم دیگر در بخش گردشگری، گردشگران بین‌المللی در سال ۲۰۱۴ را بالغ بر ۱.۱۴ میلیارد نفر ارزیابی کرده، که نسبت به سال ۲۰۱۳، حدود ۵۱ میلیون نفر افزایش نشان می‌دهد. این ارقام باعث شده است که رقابت تنگاتنگی برای حضور در لیست برترین‌های صنعت گردشگری به وجود بیاید، چون کشورهایی که در این لیست قرار دارند با عنوان ستاره‌های جهانی صنعت گردشگری معرفی می‌شوند.

جدول ۱: کشورهای موفق در جذب گردشگر (مقاصد اصلی گردشگران بین‌المللی)

رتبه	سال									
	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳		
۱	فرانسه	فرانسه	فرانسه	فرانسه	فرانسه	فرانسه	فرانسه	فرانسه		
۲	اسپانیا	اسپانیا	آمریکا	آمریکا	آمریکا	آمریکا	آمریکا	آمریکا		
۳	آمریکا	آمریکا	اسپانیا	اسپانیا	اسپانیا	چین	چین	اسپانیا		
۴	چین	چین	چین	چین	اسپانیا	اسپانیا	اسپانیا	چین		
۵	ایتالیا	ایتالیا	ایتالیا	ایتالیا	ایتالیا	ایتالیا	ایتالیا	ایتالیا		
۶	بریتانیا	بریتانیا	بریتانیا	بریتانیا	بریتانیا	ترکیه	ترکیه	ترکیه		
۷	آلمان	آلمان	اوکراین	ترکیه	ترکیه	بریتانیا	آلمان	آلمان		
۸	مکزیک	اوکراین	ترکیه	آلمان	آلمان	آلمان	بریتانیا	بریتانیا		
۹	اتریش	ترکیه	آلمان	مالزی	مالزی	مالزی	روسیه	روسیه		
۱۰	روسیه	مکزیک	مکزیک	مکزیک	مکزیک	مالزی	مالزی	تایلند		

منبع: UNWTO

جدول ۲: کشورهای موفق در کسب بیشترین درآمد گردشگری

رتبه	سال									
	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳		
۱	آمریکا	آمریکا	آمریکا	آمریکا	آمریکا	آمریکا	آمریکا	آمریکا		
۲	اسپانیا	اسپانیا	اسپانیا	اسپانیا	اسپانیا	اسپانیا	اسپانیا	اسپانیا		
۳	فرانسه	فرانسه	فرانسه	فرانسه	فرانسه	فرانسه	فرانسه	فرانسه		
۴	ایتالیا	ایتالیا	ایتالیا	ایتالیا	چین	چین	چین	چین		
۵	چین	چین	چین	چین	ایتالیا	ایتالیا	مکانو	مکانو		
۶	بریتانیا	بریتانیا	آلمان	آلمان	آلمان	آلمان	ایتالیا	ایتالیا		
۷	آلمان	آلمان	بریتانیا	بریتانیا	بریتانیا	بریتانیا	آلمان	تایلند		
۸	استرالیا	استرالیا	استرالیا	استرالیا	استرالیا	استرالیا	بریتانیا	آلمان		
۹	ترکیه	اتریش	ترکیه	ترکیه	ترکیه	هنگ‌کنگ	هنگ‌کنگ	بریتانیا		
۱۰	اتریش	ترکیه	اتریش	اتریش	ترکیه	هنگ‌کنگ	استرالیا	هنگ‌کنگ		

جدول‌های این گزارش لیست کشورهای ستاره‌دار در حوزه گردشگری را نشان می‌دهند، که بسیاری از کشورهای موجود در آن، در رتبه جذابیت‌ها و پتانسیل‌های گردشگر با فاصله دوری از ایران ایستاده‌اند اما سقف درآمدهایی که از طریق این صنعت به دست می‌آورند قابل مقایسه با درآمد اندک ۶.۵ میلیارد دلاری ایران نیست. بر این اساس کارشناسان اقتصادی بر این باورند که بعد از تحوولی مانند رفع تحریم‌های احتمالی سرمایه‌گذاران ایرانی و حتی سرمایه‌گذاران خارجی، باید نحوه مواجهه خود با صنعت

راهبردهایی برای مجبوبیت کارکنان

مهم کاری نیاز به هم‌فکری دارید

رئیس خود را بشناسید

شما هرگز نمی‌توانید خیال رئیس‌تان را راحت کنید، مگر آن‌که او را خوب بشناسید. بنابراین، نخستین گام شما این است که بفهمید او دقیقا از شما چه می‌خواهد و شما چه کاری باید برای او انجام دهید؟ سعی در شناخت مدیر و رفتارهایش، به شما کمک می‌کند تا اطلاعات کاری مورد نیاز او را به شکلی که واقعا می‌خواهد، برای او فراهم کنید. به نظر شما کدام رئیس از چنین کارمندی بدش می‌آید؟

اهداف رئیس‌تان را بشناسید

شما به‌عنوان یک کارمند، ممکن است آن‌قدر در اهداف خودتان غرق شوید که فراموش کنید دلیل حضور شما در این اداره/شرکت کمک به رئیس‌تان است تا به اهدافش دست یابد. بنابراین، شناخت اهداف رئیس‌تان را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف و اولویت‌های کاری خود قرار دهید. به‌راحتی می‌توانید در یک جلسهٔ دونفره با رئیس‌تان به او بگویید: «اگر از اهداف و اولویت‌های شما مطلع باشم، خیلی راحت‌تر می‌توانم شما را در دستیابی به آن‌ها کمک کنم». با گفتن این جمله از او بخواهید تا اهداف و اولویت‌هایش را با شما درمیان بگذارد و شما نیز به‌خوبی می‌توانید برای موفقیت او در رسیدن به این اهداف گام بردارید.

اجازه ندهید رئیس‌تان غافلگیر شود

یکی از مهم‌ترین قوانین برای کارمندان این است که اجازه ندهند رئیس آن‌ها ناگهان از مطلبی غافلگیر شود. به عبارت ساده‌تر، سورپرایز بی سورپرایز! بنابراین، اگر زمانی متوجه شدید یکی از کارمندان زیرآبی می‌رود و قصد خالی کردن زیر پای شما یا رئیس‌تان را دارد، باید فوری رئیس‌تان را در جریان بگذارید. در غیر این صورت، اتفاقاتی خواهد افتاد که او را غافلگیر می‌کند؛ در چنین مواردی شاید مدیرتان آمادگی جمع و جور کردن قضایا را نداشته باشد و این‌جاست که ممکن است از دست شما هم ناراحت شود. سعی کنید به رئیس‌تان اعتماد کنید و موارد این‌چنینی را با او درمیان بگذارید.

انتظار نداشته باشید مدیرتان لقمه را در دهانتان بگذارد

شاید کمی ناملایم به‌نظر بیاید اما واقعا هیچ رئیسی تمایل ندارد با کارمند خود مانند یک پرستار کودک رفتار کند. بنابراین اگر سوالی دربارهٔ بیمه درمانی، مرخصی، یافتن یک فایل و سوالات پیش پا افتاده‌ای از این دست را دارید، یک‌راست به اتاق رئیس‌تان نروید؛ بهتر است برای یافتن پاسخ این سوالات از همکارانتان کمک بگیرید و زمان مذاکرهٔ مستقیم با رئیس را ننگه دارید برای وقتی که برای انجام مسائل

مدیران با ویژگی‌های مختلف اما تاثیرگذارشان همیشه می‌توانند پلی برای ارتقای کارمندان خود در زندگی باشند. البته این خواستن یک پیش‌فرض بزرگ و اساسی دارد و آن هم اطمینان است. خیلی جالب است که در دنیای امروز و در متون جدید مدیریت، کارمندان یک سازمان گاهی مهم‌تر از مشتریان محسوب می‌شوند. در واقع اگر تا دیروز مشتری‌مداری مد بود، امروز این ژست مد شده است که کارمندمداری درست‌تر است. یک گیومه باز کنیم که این ژست نتیجه هم داده است و توسعه یافته‌ها از این‌که به آن اندیشیده‌اند بسیار راضی هستند. بر اساس این الگو، اگر کارمندان در شرایط روحی خوبی برای کار کردن باشند حتما مشتری‌ها خیلی بیشتر نمک گیر بنگاه می‌شوند. برای همین توصیه‌های زیادی وجود دارد که کارمندان سعی کنند مورد اطمینان مدیر قرار بگیرند تا از پتانسیل او برای پیشرفت و خوشبختی استفاده کنند. به‌تازگی پایگاه اینترنتی میوز، برخی از مهارت‌هایی را که به افزایش محبوبیت در نزد رئیس منجر می‌شود معرفی کرده است و از آن‌ها با عنوان پل خوشبختی نام برده است. این مهارت‌ها این روزها زیاد دیده و خواننده می‌شود. شاید بد نباشد که کمی به آن‌ها بیندیشیم.

از ضرب‌الاجل‌های خود عدول نکنید؛ وفای به عهد کنید

وقتی حمایت رئیس‌تان را جلب کردید، سعی نکنید که از این حمایت و اعتماد سوءاستفاده کنید بلکه تلاش کنید تا وظایف خود را در سر موعد مقرر انجام دهید. این یعنی: «حتما تلاش می‌کنم انجامش دهم». نه این‌که «حالا ببینم چه می‌شود!» همیشه سعی کنید پروژه‌های خود را حتی اگر شده یک‌روز زودتر تحویل دهید. این کار شما باعث می‌شود تا رئیس شما هم زمان کافی برای انجام کارهای خود و روبه‌رو شدن با اتفاقات پیش رو را داشته باشد.

به‌جای طرح مسئله، راهکار ارائه دهید

کار شما تنها یافتن مسائل و مشکلات نیست بلکه در عوض باید به شکل فعالانه‌ای به دنبال یافتن راه‌حل باشید. به‌عنوان مثال، نباید ناگهان سرتان را پایین انداخته و به اتاق رئیس‌تان بروید و از دست سایر بخش‌ها شکایت کنید که چرا سر موعد مقرر وظایف خود را انجام نمی‌دهند. در عوض، سعی کنید اول به بخشی که با آن مشکل دارید رفته و با مذاکره مسائل خود را با آن‌ها درمیان گذاشته و حل کنید. بنابراین، اگر مجبور شدید نزد مدیرتان بروید، آن‌وقت می‌توانید به او توضیح دهید که برای حل این مشکل قبلا چه کارهایی کرده‌اید که جواب نداده و حالا برای حل مشکل از او کمک می‌خواهید.

به گفته‌هایتان عمل کنید و کارهایی را که می‌کنید، بگویید

اگر قول دهید که مثلا تا فردا گزارش کاری خود را ارائه می‌دهید و فردا سر کار بیایید و این گزارش آماده نباشد، باید منتظر عواقب آن باشید. اولین اتفاق این است که دیگران از نحوهٔ مدیریت شما انتقاد می‌کنند. البته ماجرا به همین‌جا ختم نمی‌شود؛ اگر مدیرتان روی شما و گزارشی که قرار بود بدهید، حساب باز کرده باشد تا گام بعدی را در پروژهٔ خود بردارد، آن‌وقت است که این اهمال‌کاری شما بیشتر به چشم می‌آید.

افرادی که می‌شود روی قول‌هایشان حساب کرد و به تعهدات خود پای‌بند هستند، کارمندانی رویایی هستند و رئیس آن‌ها نیز می‌داند که می‌تواند روی آن‌ها حساب کند. کارمندانی که تلاش می‌کنند تا مدیران خود را به سمت اهدافشان سوق دهند، از جنس طلا هستند. باید بدانید که مدیرتان کار سختی دارد و باید به او کمک کنید و درعین حال مهارت خود را افزایش دهید. بدین ترتیب هم کار رئیس‌تان را راحت می‌کنید و هم این‌که او نیز قدرتان شما خواهد شد.

منبع: اقتصادنیوز

وظایف و مسؤلیت‌های کارکنان کارگاه در پروژه‌های ساختمان و نصب

مقاله

*دکتر اصغر ابن‌الرسول
*دکتر شهرام قبادی
(قسمت دوم)



مدیر کارگاه

(مدیر ساختمان و نصب پروژه / مدیر سایت)

مدیر کارگاه به وسیله مدیر پروژه منصوب می‌گردد و مسئول حسن اجرای کلیه عملیات کارگاهی و سازماندهی، تجهیز، هدایت و هماهنگی تیم ساختمان و نصب مطابق با نیازهای پروژه در چارچوب تعهدات قرارداد ساختمان و نصب بوده و زیر نظر مستقیم مدیر پروژه انجام وظیفه می‌کند. در شرایطی که مدیریت عملیات اجرایی به معاون اجرایی کارگاه سپرده می‌شود، نقش کلاسیک رئیس کارگاه دچار تغییراتی می‌گردد. در این حالت نقش اجرایی و درگیری با چالش‌های روزمره، بر عهده معاون اجرایی گذاشته می‌شود. حاصل این واگذاری، فراغتی است که برای رئیس کارگاه ایجاد می‌شود تا عرصه‌های دیگر را مدیریت کند. در این شرایط هم این تهدید وجود خواهد داشت که اشراف رئیس کارگاه بر عملیات اجرایی و پیشرفت کارها کاهش یابد و هم این فرصت وجود خواهد داشت که رئیس کارگاه با فاصله گرفتن از هیاهوی روزمره، تهدیدها و فرصت‌های در پیش رو را شناسایی و مدیریت کند. در چنین وضعیتی، شرح وظایف و محورهای خدمات رئیس کارگاه به شرح زیر خواهد بود.

شرح وظایف و مسؤلیت‌های مدیر کارگاه

نماینده رسمی شرکت در مقابل نمایندگان کارفرما، شریک خارجی (در صورت وجود) و پیمانکاران) ساختمان و نصب در کارگاه در ارتباط با مفاد قرارداد و کلیه ارتباطات و مکاتبات مرتبط با موارد ساختمان و نصب پروژه. مطالعه و اشراف کامل به نوع و شرایط قراردادهای مرتبط با ساختمان و نصب شرکت با کارفرما و پیمانکاران پروژه. پیشنهاد استراتژی و خط مشی انجام فعالیت‌های اجرایی پروژه به مدیر پروژه.

هماهنگ‌کننده فعالیت‌های سرپرستان نظارت، کنترل کیفی، مهندسی کارگاهی، دفتر فنی، برنامه‌ریزی، HSE و...

نظارت بر دریافت کلیه مکاتبات و مدارک مربوط به موارد

ساختمان و نصب پروژه و توزیع آن مطابق با مکانیزم ارتباطی در نمودار سازمانی پروژه.

هماهنگی لازم و کافی جهت استقرار و حفظ سیستم‌های مدیریت کیفیت، ایمنی و محیط زیست^۱ در انجام فعالیت‌های مدیریت ساختمان و نصب.

تائیدکننده نهایی برنامه اجرایی و در صورت نیاز اعلام تهیه برنامه جبرانی و نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های مذکور.

نظارت بر اجرای برنامه زمانبندی پروژه و ارائه راهکارهای لازم در خصوص پیشبرد سریع پروژه.

نظارت بر روند کیفی اجرای پروژه ساختمان و نصب و مسئول کلیه مسائل کیفی مرتبط با ساختمان و نصب.

نظارت بر نحوه اجرای الزامات ایمنی و مسئول کلیه مسائل ایمنی مرتبط با ساخت و نصب.

ارزیابی مستمر از عملکرد پیمانکاران اجرائی و تهیه گزارشات مدیریتی و ارائه راهکارهای مناسب برای پیشگیری از تاخیرات و اثرات احتمالی در روند اجرایی فعالیت‌های پروژه.

تهیه گزارشات تطبیقی و مقایسه‌ای از عملکرد پیمانکار در رابطه با نیروی انسانی، تجهیزات، برنامه‌ریزی کیفیت و مسائل ایمنی در مقایسه با سیاست و برنامه زمانبندی کلان پروژه.

تشکیل جلسات در جهت رفع مشکلات و تنگناهای کارگاه و ارائه راهکارهای عملی به پیمانکاران مربوطه.

پیگیری و نهایی‌سازی تغییر کارها، ادعاها، تقاضاها یا پیشنهادات توجیهی پیمانکاران.

نظارت بر رعایت و اجرای صحیح کلیه استانداردها و دستورالعمل‌های اجرایی و بازرسی مطابق با استانداردها و دستورالعمل‌های پروژه.

نظارت بر تهیه و ارسال گزارشات عملکرد کارگاه و سایر گزارشات لازم برای مدیر پروژه و کارفرما.

برنامه‌ریزی جهت استفاده موثر و بهینه از منابع موجود و در اختیار برای پیشبرد فعالیت‌های ساختمان و نصب.

1- QHSE (Quality, Health, Safety, Environment)

نظارت، پیگیری و تایید صورت وضعیت‌ها، تغییر کارها و ارسال به مدیر پروژه بر اساس دستورالعمل‌های مربوطه. ایجاد هماهنگی در بین بخش‌های مختلف جهت ارتقاء کیفی و کمی پروژه در بخش ساختمان و نصب.

کنترل هزینه‌های کارگاه از طریق بخش برنامه‌ریزی و کنترل هزینه کارگاه.

هماهنگی جهت تحویل بخش‌های تکمیل‌شده پروژه ساختمان و نصب به کارفرما.

نظارت بر توزیع نیروی انسانی و تجهیزات و مصالح بین نواحی مختلف کار.

تصویب صدور کلیه اسناد و مدارک موضوع قرارداد مدیریت ساختمان و نصب، به مدیر پروژه و امضای مکاتبات مربوطه.

کنترل برنامه زمانبندی عملیات اجرایی و تعیین اولویت‌ها با کمک پرسنل نظارت، بخش برنامه‌ریزی و کنترل پروژه.

نظارت مستمر و به‌موقع بر روند ورود کالا به کارگاه از طریق هماهنگ‌کننده کالا و همچنین هشدار لازم و به‌موقع در جهت تامین کالای اصلی پروژه مطابق با برنامه زمانبندی پروژه.

هماهنگی لازم و مشارکت در جهت پیش راه‌اندازی و راه‌اندازی پروژه.

معاون اجرایی کارگاه (جانشین مدیر کارگاه)

وظیفه معاون اجرایی هدایت فعالیت‌های مرتبط با ساختمان و نصب پروژه بر اساس نیازمندی‌های تعیین‌شده توسط بخش مربوطه نیازمندی‌های قراردادی و همچنین مسئول برقراری ارتباط در زمینه فصول مشترک با بخش‌های مهندسی و تدارکات در پروژه است. مأموریت معاون اجرایی کارگاه، باز کردن جبهه‌های کاری جدید و تداوم بخشیدن به جبهه‌های کاری موجود است. معاون اجرایی انجام مأموریت خود را در محورهای زیر آغاز کرده و پی می‌گیرد.

ادامه دارد

سازمان یادگیرنده

این حواله

*دکتر اصغر ابن‌الرسول (معاون طرح و برنامه گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی)
*دکتر شهرام قبادی (کارشناس ارشد برنامه‌ریزی و سنجش عملکرد)

چکیده

پایه توانایی‌های سازمان، در داشتن منابعی است که به‌راحتی قابل کپی نباشد. سازمان‌های یادگیرنده به دنبال بهبود مستمر ظرفیت‌های تغییر هستند. برخی معتقدند که مدیریت کیفیت جامع ۴، زیربنای سازمان‌های یادگیرنده بوده و یک گام اولیه در سرآمدی این سازمان‌هاست [۳]. سازمان یادگیرنده به دنبال غنی‌سازی سازمان است؛ چراکه افزایش ظرفیت‌های یادگیری ابزاری استراتژیک در مدیریت دانش سازمان‌هاست، که امروزه اهمیتی بسزا دارد. همان‌گونه که از نام این‌گونه سازمان‌ها برمی‌آید، یادگیری یک فاکتور اساسی در آن‌هاست. سازمان یادگیرنده لازم است با مولفه یادگیری به‌عنوان یک مولفه حیاتی در ارزش‌ها، مأموریت‌ها، اهداف، نظرات و ارزشیابی‌ها برخورد کند [۴]. هرچند یادگیری اولیه در سطح فردی است اما لازم است به سطوح دیگر منتقل شود. هنگامی سازمان یادگیرنده است که یادگیری به سطح عملیاتی تسری یابد. یادگیری سازمانی زمانی روی می‌دهد که یادگیری در روال‌ها و رویه‌ها و قوانین نهادینه گردد [۳]. بر اساس تعریف، یادگیری سازمانی؛ کسب دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها، عقاید و نگرش‌های بهبودبخشی، نگهداری، رشد و توسعه سازمان است [۲].

۱-۲- یادگیری سازمانی

یکی از ابعاد یادگیری سازمانی، عبارت از تجارب موفق و ناموفق خود و دیگران است. یادگیری در سطوح مختلف محقق می‌شود که عبارتند از: اکتساب: نخستین سطح یادگیری است، که بخش عمده آن قبل از استخدام فرد روی داده است و شامل کسب نگرش‌ها، عقاید، ارزش‌ها، اصول، اطلاعات، دانش و مهارت‌هاست.

بهره‌مندی: سطح دوم یادگیری است که از عوامل کسب‌شده بهره‌گیری می‌شود. تامل: فراتر رفتن از خود فرآیند است. تامل برای ایجاد الگوهای جدیدتر، که الگوی ذهنی اصلی نحوه عملکرد امور به حساب می‌آیند. تغییر: تلفیق تفکر و عمل (تدوین استراتژی، تخصیص منابع و اقدام لازم برای پاسخ‌دهی به فرصت‌ها و مسائل).

جریان: این سطح پس از انتشار کتاب «میهای جکسون میهای» با نام Flow رایج شد، چراکه تلفظ آن با FLOW (مخفف سازمان تندآموز که یادگیری مطالب مناسب با شیوه‌ای مناسب را در دستور کار دارد) یکسان است و به خاطر سپاری آن راحت است [۲]. در این سطح، یادگیری‌های جزئی ناخودآگاه، یکدیگر را تقویت می‌کنند و یادگیری و فعالیت‌های مرتبط آن ظاهراً در جریانی رو به پیشرفت به هم می‌پیوندند.

۲-۲- انواع یادگیری

چنانچه سازمان‌ها در سطوح یادگیری مشابهی باشند آن‌چه سبب برتری می‌شود نوع یادگیری است که عبارتست از [۲]: یادگیری وظیفه: نحوه انجام کار و بهبود عملکردی وظایف خاص. یادگیری فرهنگی: تمرکز بر ارزش‌ها و نگرش‌هایی که اساس بهره‌وری کار هستند.

یادگیری رهبری: نحوه هدایت افراد، گروه‌ها و سازمان است. یادگیری راهبردی: تمرکز بر راهبرد اساسی کسب‌وکار به نحوه اجرای راهبرد و چگونگی بهبود آن دارد.

یک سازمان یادگیرنده، سازمانی است که مستمر به صورت جمعی یاد می‌گیرد و دائماً خودش را به‌نحوی تغییر می‌دهد تا با هدف کسب موفقیت سازمان، بتواند به نحو بهتری اطلاعات را جمع‌آوری، مدیریت و استفاده کند. ایجاد محیطی یادگیرنده با هدف افزایش شایستگی و قابلیت منابع انسانی، لازمه ایجاد هر سازمان یادگیرنده است. هر عضو این دسته از سازمان‌ها در هر لحظه به دنبال یافتن اطلاعات مورد نیاز برای تغییر جهت تولید دانش لازم و ارائه ایده مناسب و به‌کارگیری آن ایده در عمل برای تطبیق دادن خود و سازمان با تغییرات ایجادشده در محیط خارجی است. سازمان یادگیرنده متشکل از گروه‌های کاری تخصصی است، که در آن یادگیری نیاز همیشگی کلیه کارکنان تلقی می‌شود. علاوه بر آموختن، کسب و توزیع دانش، در یک سازمان یادگیرنده به تولید اطلاعات و خلق دانش جدید نیز پرداخته می‌شود؛ به‌طوری‌که تمامی دانش‌ها در عملکرد کارکنان آن سازمان تجلی می‌یابد. در این مقاله تلاش شده ضمن بیان مشخصات سازمان‌های یادگیرنده و ادبیات مربوط به این نوع سازمان‌ها، مسیر تحقق یک سازمان یادگیرنده بررسی شود. واژگان کلیدی: سازمان یادگیرنده، سرمایه‌های انسانی، مدیریت دانش، یادگیری سازمانی

۱- مقدمه

سازمان‌ها در محیط متغیر کسب‌وکار امروزی، نیازمند سیستم‌های یادگیری جهت حصول موفقیت هستند و یادگیری و عکس‌العمل سریع نسبت به رقبا به یک مزیت رقابتی قابل اتکا مبدل شده است. تعالیم دینی و اسلامی ما به گونه‌های مختلف اهمیت یادگیری و مسائل مربوط به آن را مورد تأکید قرار داده است، تا آن‌جا که ارزش ساعتی فکر کردن را از سال‌ها عبادت برتر دانسته و یادگیری را حتی با تحمل مشقت‌های موجود در دوردست‌ها نیز تأکید کرده است [۱].

امروزه، به دلیل تغییرات سریع، یادگیرنده بودن بیش از یادگیری توصیه شده است؛ چراکه یادگیرنده بودن امکان یادگیری به‌موقع و سریع‌تر از دیگران را فراهم می‌سازد. به‌گفته ویل راجر ۱، در جاده زندگی حتی اگر در مسیری درست حرکت می‌کنید، به‌محض متوقف شدن، دیگران از روی شما خواهند گذشت [۲]. از این‌روست که برای آن‌که رقابت و حیاتی پایدار داشته باشیم، نیازمند یادگیری مستمر و سریع‌تر هستیم.

چگونه دریابیم که سازمانی یادگیرنده است؟ واقعیت آن است که سازمان یادگیرنده نوع خاصی از سازمان نبوده، بلکه هر سازمانی با رعایت نکات و احراز شرایطی، سازمان یادگیرنده است. در این مقاله ابتدا مفهوم و مشخصات سازمان‌های یادگیرنده تشریح شده سپس مسیر تحقق یک سازمان یادگیرنده بیان می‌شود. در ادامه به اهمیت نقش رهبری و سرمایه‌های فکری در موفقیت سازمان یادگیرنده پرداخته می‌شود. نحوه استفاده از مدیریت دانش به‌عنوان ابزار خلق یک سازمان یادگیرنده تشریح شده و درنهایت مدلی جهت سنجش بلوغ یک سازمان یادگیرنده ارائه می‌گردد.

۲- مفهوم سازمان یادگیرنده

مفهوم سازمان‌های یادگیرنده در واقع به‌عنوان رویکردی مبتنی بر منابع ۳ بر

- 1- Will Ragers
- 2- Learning Organization
- 3- Resource-Based Approach

- 4- TQM
- 5- Fast Learning Organization

یادگیری کارآفرینی: به نکات اساسی نوآوری و کارآفرینی و اداره گروه‌ها تمرکز دارد.

یادگیری تاملی: با پرسش و تحلیل فرضیات، مدل‌ها و الگوهای سازمانی سروکار دارد.

یادگیری تحولی: بر نحوه ایجاد تحول عمده سازمانی تمرکز دارد.

از آن‌جا که سخت‌ترین چیز در مورد موفقیت، یافتن راه و نحوه تداوم آن است، بسیاری از شرکت‌های دنیا در صدد راهی برای تداوم یادگیری خود و یادگیرنده بودن هستند. شعار شرکت زیرکس در حوزه یادگیری و تفکر در سازمان بدین شرح است:

«ما از طریق یادگیری مستمر به پیشرفت مداوم دست می‌یابیم؛ چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی، با اندیشیدن در خصوص موفقیت‌ها و شکست‌های خود، به بصیرت می‌رسیم. ما از همکاران خود، رقبا و همکاران‌مان می‌آموزیم.» شرکت‌های پیشرو یکی از اصول موفقیت خود را «یادگیری، دانستن، بهبود و آموزش» معرفی می‌کنند و به کارکنان خود الزام می‌کنند تا زمانی که کسی را برای جانشینی و تصدی شغل خود تربیت نکرده‌ای، ارتقا نخواهی یافت. این دسته از شرکت‌ها با راه‌اندازی برنامه «هم‌آموزی و جانشین‌پروری»، برنامه‌های ذیل را در اولویت قرار می‌دهند [۳]:

جذب افراد فنی با توان آموزش‌دهی

اعزام افراد به اقصی نقاط جهان و ارتباط با سازندگان، تامین‌کنندگان، سرمایه‌گذاران، پیمانکاران و...

استخدام متخصصین ماهر برای مستندسازی دانش فنی افراد

این برنامه‌ها به دنبال یادگیرنده شدن و امکان یادگیری مستمر و بهبودی مداوم است و نیاز به یادگیری به‌وضوح قابل مشاهده است.

در یک دسته‌بندی دیگر انواع یادگیری برحسب فرایندهای یادگیری سازمانی به شرح ذیل است [۵]:

یادگیری تک‌حلقه‌ای ۶: تغییر در روش‌های تصمیم و اقدام و تشخیص خطاهای آنی و انجام امور روزانه است و زمانی اتفاق می‌افتد که خطاها در بستر جاری کشف و اصلاح شوند و سنگه آن را یادگیری انطباقی و لیس و فیول ۷ آن را یادگیری سطح پایین و ماسون آن را یادگیری غیر استراتژیک می‌نامند.

یادگیری دو حلقه‌ای ۸: تغییر هم‌زمان در مدل‌های ذهنی و روش‌های اقدام. (تمایل به نگاه عمیق‌تر به ساختارها و هنجارها). درواقع این‌جا به دنبال منبع خطا هستیم، که می‌تواند تغییر هنجارها و استراتژی‌ها را در پی داشته باشد که پیتر سنگه ۹ آن را یادگیری مولد ۱۰ می‌نامد.

یادگیری سه حلقه‌ای: که آن را یادگیری ثانویه هم می‌گویند، در این نوع یادگیری، علاوه بر تغییر در رفتار، بایستی کیفیت رفتار از حد آستانه‌ای قابل قبول بالاتر رفته باشد، تا طبق نظر ویلیام اسحاق ۱۱ کیفیت رفتار افراد بر استمرار و اثربخش بودن فرآیند گفت‌وگو توسط آن‌ها تاثیرگذار باشد. هم‌چنین به بیانی دیگر یادگیری سه حلقه‌ای زمانی اتفاق می‌افتد که سازمان یاد بگیرد چگونه یادگیری تک‌حلقوی و دو حلقوی را اجرا کند.

۳- حرکت به سوی سازمان یادگیرنده

پیتر سنگه سازمان یادگیرنده را سازمانی می‌داند که افراد در آن به‌طور مستمر توانایی‌های خود را برای خلق نتایجی که خواسته حقیقی آن‌هاست توسعه می‌دهند. جایی که افراد به صورت پیوسته یاد می‌گیرند که چگونه به یکدیگر یاد بدهند. سنگه یادگیری سازمانی را در پنج‌مین فرمان بر ۵ اصل استوار می‌داند که عبارتند از [۶]:

تسلط فردی، که به معنای سطح خاصی از مهارت و رکن بحرانی سازمان یادگیرنده است.

دورنمای مشترک، بیانگر ضرورت آرمانی مشترک است که افراد را هم‌سو می‌سازد.

- 6- Single -Loop Learning
- 7- Fiol & Liles
- 8- Double -Loop Learning
- 9- Peter Michael Senge
- 10- Generative Learning
- 11- William Isaacs

مدل‌های ذهنی، که به‌نوعی بیانگر عواملی هستند که محدودکننده عمل و اندیشه‌اند و بر دید و ادراک افراد تاثیرگذارند.

یادگیری گروهی، سنگه تفکر تیمی را بیش از مجموع چند تفکر تکی می‌داند و بر هم‌افزایی اعتقاد دارد.

تفکر سیستمی، اصل بنیادین سازمان‌های یادگیرنده بر پایه تفکر نظام‌گرا است.

با این وجود، پیتر سنگه در مطالب بعدی خود در رقص تغییر چنین بیان می‌کند که [۷]:

شروع و تداوم تغییر، در شرکت‌ها و سازمان‌ها بسیار پیچیده‌تر از نگاه در پنج‌مین فرمان است.

دستیابی به تغییر، نیازمند تغییر شیوه تفکر و نگرش مدیران سازمان و شرکت است.

به هر حال لازم به ذکر است که در ارتباط با هر یک از ارکان ذکر شده توسط پیتر سنگه، مطالب و جزئیات بسیاری وجود دارد که برای بررسی بیشتر می‌توان به آن‌ها مراجعه کرد. به‌عنوان نمونه در یک تحقیق میدانی، اسپریتزر ۱۲ بیان کرد که بهبود مستمر برای بیش‌فعال ۱۳ بودن کارکنان که همراه با افزایش میزان نوآوری آن‌هاست، با یادگیری تیمی ارتباط دارد [۸].

نکته مهم دیگری که باید به آن اشاره کرد، آن است که در سازمان‌های یادگیرنده زمان و سرعت یادگیری اهمیت دارد زیرا سایر سازمان‌ها هم یاد می‌گیرند.

هم‌چنین، یادگیری در سطح سازمان نیازمند آن است که یادگیری در حافظه سازمان، فرهنگ و امور حک شود. و یادگیری در صورتی به بهترین شکل روی می‌دهد که عملی باشد. (مانند یادگیری در تیم‌های پروژه‌ای که به دلیل حضور در کل مراحل به بهترین شکلی روی می‌دهد و وظیفه یادگیری بر عهده فرد است).

یادگیری گروهی که یکی از اصول ذکر شده پیتر سنگه بود؛ از تعامل به هم پیوسته شروع و در تعامل تسلط فردی با بهره‌گیری از تفکر سیستمی، ساخت مدل‌های

ذهنی و نهایتاً آرمان‌سازی مشترک شکل می‌گیرد. نتیجه یک تحقیق در سال ۲۰۰۲ روی سازمان‌های بزرگ (بیش از ۱۰۰۰ نفر پرسنل) و متوسط (بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر) که ساختار مشخص‌تر و دارای وضوح بیشتری نسبت به سازمان‌های کوچک دارند نشان داد که [۹]:

یادگیری، بیشتر سازمان‌ها را برای آینده آماده می‌کند تا زمان نزدیک و حال. سطوح یادگیری فردی، گروهی و سازمانی با آن‌که وجود دارند اما ارتباط پیچیده‌ای دارند و باید با هم ترکیب شوند.

دو عامل کلیدی برای تعیین معنادار بودن یادگیری عبارتند از: موقعیت استراتژیک سازمان بر پایه چشم‌انداز و ماموریت و رهبری موثر در دستیابی و هدایت به اهداف سازمانی.

عواملی از قبیل نگرش کارکنان، انگیزش و تعهد علاوه بر این که ابزارشناختی و رفتاری هستند، عوامل حیاتی یادگیری سازمانی نیز هستند.

۴- رهبری در سازمان یادگیرنده

از آن‌جا که در هر سازمانی مدیریت و رهبری آن، نقشی اساسی در موفقیت سازمان دارد، لازم است ویژگی‌های رهبر در سازمان یادگیرنده را بشناسیم. برخی از این ویژگی‌ها به قرار زیر است [۶]:

دارای تفکر سیستمی باشد: دنبال یک مقصر نباشد و نظام‌گرا بیندیشد و عمل کند.

قابلیت‌های شخصی: همواره در حال یادگیری و رفع موانع ذهنی باشد. مدل‌های ذهنی: زمینه اصلاح و بهبود مدل‌های ذهنی را با فراهم کردن امکان تامل و مباحثه و ... فراهم کند.

آرمان مشترک: شجاعت و توان ایجاد آرمان مشترک را داشته باشد.

یادگیری تیمی: مباحثه و گفت‌وگو را برای انتقال دانش و یادگیری افراد تسهیل کرده و مشارکت کند.

پیتر سنگه وظایف رهبری را طراحی، نظارت و معلمی معرفی می‌کند. در این سازمان‌ها رهبران هیچ‌گاه جواب مسئله را در آستین ندارند اما یقین دارند که با هم می‌توانند راه حلی بیابند. در این سازمان‌ها رهبری مشترک است و به

فرآیندهای سازمانی جست‌وجو کرد. افراد و دانش آن‌ها در سازمان‌های یادگیرنده از جایگاهی ویژه برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که در محاسبات ارزش شرکت‌ها سهم عمده‌ای به افراد دانشی سازمان‌ها به‌عنوان دارایی ناملموس برمی‌گردد.

شرکت IBM مبلغ ۳/۵ میلیارد دلار یعنی ۱۴ برابر ارزش دفتری شرکت لوتوس نوتز ۱۶ را برای خرید آن شرکت پرداخت کرد. صرفاً این مبلغ برای افرادی پرداخت شد که مغزهای متفکر پدیدآورنده آن بودند [۱۲]. لذا دانش نوعی سرمایه است و بسیاری از سازمان‌ها و شرکت‌های موفق به این مهم توجهی فراوان دارند. بهره‌وری سازمان‌های دانش‌محور؛ به توانایی‌ها و تعهدات و انگیزه‌ها و ارتباطات کارکنان بستگی دارد. از آن‌جا که خلاقیت و نوآوری به‌عنوان اصلی اساسی از عوامل مهم بقای سازمان‌ها و شرکت‌های جوان پذیرفته شده است، سازمان‌های پیشرو، به جذب افراد خلاق توجه فراوان دارند. طبق تعریف، خلاقیت، خلق ایده نو است و نوآوری، فرآیند تبدیل ایده خلق شده به محصول یا خدمت و روش‌های جدید عملیات است. (تصور + اختراع + بهره‌برداری).

تحقیقات بیانگر آن است که از ۶۰ اندیشه قرار گرفته در مرحله خلاقیت، تنها یکی به نوآوری می‌رسد [۱۲]. هم‌چنین تحقیقات «کالهن ویک از شرکت ویک» و «ویوید ال ریچ از دانشکده مدیریت میشیگان» از ۴۸ شرکت نشان داد که رابطه معناداری بین سرعت یادگیری و رقابت‌پذیری و هم‌چنین بین سرعت یادگیری و سرعت نوآوری سازمان‌ها وجود دارد [۲]. در واقع منافع اصلی یک نوآوری به کسی تعلق دارد که نیاز نهفته را زودتر کشف کرده و بهتر پاسخ دهد. از این‌روست که پیترو ویلیامسون ضمن مطرح کردن گزینه‌های آینده، شرط اول را آشکار کردن زودتر محدودیت‌های پنهان می‌داند [۱۳]. و هم‌چنین از این‌روست که تاکید می‌گردد قبل از اطلاع‌گیری باید دنبال یادگیری بود (فرمان اول تفکر استراتژیک) و در حرکت به سوی هدف بیش از سرعت به فکر راه میانبر باید بود (فرمان پنجم تفکر استراتژیک). گری هم‌ل ۱۷ یادگیری را طبق تعریفی شامل موارد زیر می‌داند [۱۴]:

یادگیری واقعیات، فرآیندها و رویه‌ها

مهارت‌های شغلی

یادگیری برای تطبیق ۱۸

یادگیری برای یاد دادن

گری هم‌ل دسته آخر را سازمانی می‌داند که علاوه بر خود، صنعتشان را هم احیا می‌کنند چراکه آموختن به دیگران بیشترین تاثیر را دارد و یادگیری را در یاددهنده تقویت و درونی می‌کند.

۵-۲- تفاوت‌های یادگیری سازمانی و سازمان یادگیرنده

سازمان یادگیرنده نوعی از سازمان است اما یادگیری سازمانی فرایندی درون سازمان است. سازمان یادگیرنده نیاز به تلاش دارد ولی یادگیری سازمانی به تدریج حاصل می‌شود. سازمان یادگیرنده یک ایده‌آل است و یادگیری سازمانی یک ویژگی است. سازمان‌ها برای بقا یاد می‌گیرند که چگونه سازمان یادگیرنده باشند. یادگیری سازمانی آکادمیک اما سازمان یادگیرنده عملگرا است. لذا سازمان یادگیرنده یک شکل سازمانی است که هیچ‌گونه وابستگی به نوع فعالیت آن نباید داشته باشد.

در سازمان‌های یادگیرنده لازمه یادگیری از حالت ضمنی به

یک سازمان غیرسلسله‌مراتبی نیاز است. بحث رهبری تا آن‌جا اهمیت دارد که ویلیام ۱۴، رهبر را به‌عنوان رهبر یاددهنده پیشنهاد می‌دهد.

۵- نقش مدیریت دانش در ایجاد سازمان یادگیرنده

آن‌چه امروزه با عنوان مدیریت دانش از آن یاد می‌شود؛ آن است که سازمان‌های یادگیرنده چرخ را دوباره اختراع نمی‌کنند، بلکه اقتباس می‌کنند. سازمان‌های یادگیرنده، سازمان‌هایی خلاقند و در ادبیات موضوعی بیان می‌شود که سازمان‌های خلاق از یادگیری سنتی جدا شده و به مدل خودمدیریتی انتقال یافته‌اند. در جدول ۱ جایگاه سازمان یادگیرنده در سیر تکوینی مدیریت به تفصیل تشریح شده است.

یادگیری صرفاً منحصر به سطح کوچک یک بنگاه یا سازمان نیست بلکه در سطح و مقیاس بزرگ و ملی هم می‌تواند یک جامعه و کشور (دولت) یادگیرنده باشد و تجدید ساختاری مناسب ایجاد کند. به‌عنوان نمونه، کشور هند با حمایت بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به «اقتصاد بازار باز» که تغییراتی را در سیاست‌گذاری‌هایش به همراه داشت، تغییر رویه داد. به‌گونه‌ای که به نقل از بانک جهانی، این تجدید ساختار سبب شده تا بحران اقتصادی آسیا را دور بزند و تا ۲۰۲۰ چهارمین کشور بزرگ اقتصادی جهان شود. مسائلی که این کشور برای یادگیرنده بودن در صدر رفع آن‌ها برآمد، عبارت بودند از [۱۱]:

نزدیک‌بینی: که رفع این مشکل با وضوح اهداف و با در نظر داشتن تفکر سیستمی و به اشتراک‌گذاری چشم‌انداز میسر گردید.

کنترل‌گرایی و تفسیرگرایی: با رهبری پتانسیل‌ها و نیازهای افراد کاهش یافت. روال‌های روزانه: با تمرکز بر موفقیت و برنامه‌ریزی بلندمدت اصلاح شد.

فرموله کردن بیش از حد: با حمایت از خلاقیت مرتفع گردید. ناکافی بودن توجه به بیرون: با کاوش محیطی، یادگیری مستمر و فرهنگ آزمون بهبود یافت.

۵-۱- دانش، خلاقیت و نوآوری در سازمان‌های یادگیرنده

بنیامین فرانکلین ۱۵ معتقد است که سرمایه‌گذاری در علم، بهترین و بیشترین سود را به همراه دارد [۱۲]. و این بدان دلیل است که دانش سرمایه عظیم و لایتناهی و زایشی است که آن را می‌توان نه تنها در فکر افراد بلکه در رویه‌ها و

مکاتب مدیریت	دوره زمانی و بنیانگذاران	نیاز زمان و علت پدیدار شدن
کلاسیک	مدیریت علمی	۱۹۰۰ فردریک تیلور، گیلبرت و فورد
	اداریون	۱۹۲۰ هنری فایول و فالت
نئوکلاسیک	بوروکراسی	۱۹۲۰ ماکس وبر
	رفتاری	۱۹۴۰ مونتربرگ، التون مایو ابراهام مازلو
مکاتب نوین	روابط انسانی	۱۹۴۰ هرزبرگ، آلدرفر، مککلند و آرگریس
	نظریه سیستم	۱۹۵۰ بولدینگ، چرچمن، چستر و بارنارد
	نظریه اقتصادی	۱۹۷۰ فیدلر، گالبرایت، وودوارد، چارلز پرو و یارسونز
	نظریه آشوب ^۳	۱۹۸۰ لورنز (هواشناس - اثر پروانه‌ای) و کشف تاثیرات سیستم‌ها بر یکدیگر
نظریه تغییر و سازان یادگیرنده ^۵	۱۹۹۰ پیترو سنگه، مینتزبرگ، ادیزس، ویلیام اوچی و گرینر	نیاز به توجه به وضعیت‌های پیچیده و نیاز به اتخاذ رویکرد‌های چند وجهی در مدیریت
		نیاز به توجه به تعامل انسانی و رضایت نیروی انسانی به جهت افزایش بهره‌وری
		نیاز به توجه به تعامل انسانی و انگیزش و رهبری به جهت افزایش بهره‌وری
		نیاز به توجه به جامع و توجه به سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی
		نیاز به توجه به وضعیت‌های پیچیده و نیاز به اتخاذ رویکرد‌های چند وجهی در مدیریت
		نیاز به توجه به وضعیت‌های پیچیده در مقیاس جهانی و کشف تاثیرات سیستم‌ها بر یکدیگر
		افزایش تعداد تغییرات و کاهش زمان وقوع تغییرات در سطح محیط و سازمانها و عصر اطلاعات

جدول ۱- جایگاه سازمان یادگیرنده در سیر تکوینی مدیریت [۱۰]

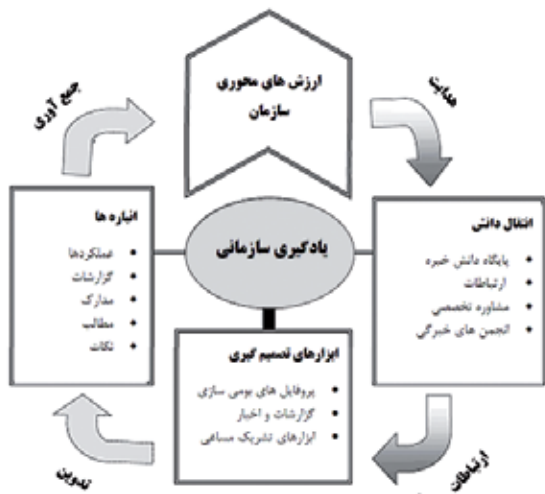
16- Lotus Notes
17- Gary Hamel
18- Adaptive Learning

14- William
15- Benjamin Franklin

ضمنی شروع و با جذب دانش تکمیل می‌گردد. هر چند افراد با تجارب و اندوخته‌ها و مدل‌های ذهنی در کانون آن قرار دارند اما ضرورت یادگیری سازمانی در نتیجه تعامل افراد اتفاق می‌افتد. از این رو یادگیری سازمانی، فرآیندی است که تمام اعضای سازمان به صورت دائم در راستای اهداف سازمانی در صدد توسعه خود و به اشتراک گذاشتن دانش خود هستند. لازمه یادگیری سازمانی در عصر امروز انتقال دانش ضمنی است. جدول ۲، انتقال دانش در فرآیند یادگیری را تشریح می‌کند.

جدول ۲- انتقال دانش در فرآیند یادگیری [۱۵]

ویژگی	حالت اول (دانش جمعی)	حالت دوم (کدگذاری دانش)	حالت سوم (تفویض دانش)	حالت چهارم (جذب دانش)
نوع انتقال دانش	ضمنی به ضمنی	ضمنی به صریح	صریح به صریح	صریح به ضمنی
کاربردها	فرهنگ سازمانی و یادگیری گروهی	خلق دانش	فراورش اطلاعات	یادگیری سازمانی
تعاریف	فرایند مشارکت تجربیات	فرایند خلق مفاهیم	فرایند انتقال مفاهیم	یادگیری از طریق انجام کار - تجربه مجدد
نوع دانش	مهارت های فنی	دانش تجربی و ذهنی	دانش عملی و سیستمی	دانش عملی
روش های یادگیری	- کارورزی - مشاهده - تقلید - تمرین	- دیالوگ - زبان عامیانه - چین کار - مدل های ذهنی - فرضیات	- اسناد علمی و رسانه ها - ملاقات ها و مکالمات تلفنی - شبکه های کامپیوتری - کلاس های درس رسمی	- مکتوب ، اسناد علمی - - نقل خاطرات



شکل ۱- یادگیری سازمانی در مراحل مختلف مدیریت دانش [۱۷]

از دیگر مزایای مدیریت دانش؛ اینست که ادامه روند یادگیری سازمانی و ماندگاری درس‌های آموخته‌شده را به همراه دارد. در واقع یادگیری سازمانی، بینش و درک از تجارب در خلال آزمایشات و مشاهدات و تحلیل در هر دو مورد موفقیت‌ها و شکست‌ها است. علاوه بر این، تجارب مدیریت دانش یک ابزار کلیدی برای سازمان‌های یادگیرنده است. و همچنین مفاهیم سازمان‌های یادگیرنده و مدیریت دانش را می‌توان دو روی یک سکه دانست [۱۸]. هم‌چنین برخی مدیریت دانش را تعریف توسعه‌یافته یادگیری سازمانی دانسته‌اند (خلق دانش=یادگیری سازمانی).

به دلیل تغییرات محیطی که نسبت به گذشته شاهد آن هستیم، ضرورت توجه به دانش افراد و حرکت به سمت سازمان‌های یادگیرنده بیش از پیش خود را نشان می‌دهد. برخی از این تغییرات در آغاز هزاره سوم عبارتند از [۱۵]:

- تغییر از اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی
- حرکت از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی
- تغییر از تمرکز به سمت عدم تمرکز
- حرکت از ساختار سلسله‌مراتبی به نظام شبکه‌ای
- حرکت از تکنولوژی نیروبر به تکنولوژی دانش‌افزار
- حرکت از کمیت به کیفیت
- خلاصه آن که برای پیاده‌سازی سازمان یادگیرنده، توجه به بحث مدیریت دانش ضروری است.

۶- توسعه و پیاده‌سازی سازمان یادگیرنده

موردی که در ادبیات موضوع به‌عنوان عوامل توسعه و پیاده‌سازی سازمان یادگیرنده و در نتیجه بهبود عملکرد سازمان‌ها ذکر می‌شود عبارتند از [۱۳]:

- حمایت فرهنگ سازمانی
- تسهیل‌کنندگی رهبری
- برنامه‌ریزی استراتژیک
- ساختارهای افقی
- مدیریت دانش
- پاداش و جبران خدمات
- سنجش عملکرد
- هم‌چنین عوامل تسهیل‌کننده فرایند توسعه و اجرای سازمان‌های یادگیرنده عبارتند از:

- محیط یادگیری
- تعریف و تعیین نیازهای توسعه‌ای و یادگیری

در سازمان‌های سنتی و بزرگ، ارشدیت مبنای رشد و ترقی است. اما در سازمان‌های یادگیرنده خبرگی فرد و مهارت زیربنای شکل‌گیری آن است. لذا برای یادگیرنده کردن سازمان؛ شهرت و اعتبار شخص در گروه زیربنای توسعه وی باید قرار گیرد تا برای ارشدیت علمی تلاش کند. هم‌چنین در ساختار منعطف و غیرمتمرکز، افراد پایین‌تر کمک می‌کنند تا ضمن شناخت بهتر رقیب، سریع‌تر بیاموزند. علاوه بر این یادگیری گروهی هنگامی روی می‌دهد که منافع فرد و گروه هم‌راستا باشند تا هم فرد به فرصت‌ها دست یابد و هم سایرین را در فرصت‌ها شریک کند.

همان‌گونه که اشاره شد، مدیریت دانش و جمع‌آوری آن به منظور جلوگیری از اختراع دوباره چرخ، از اهمیتی به‌سزایی برخوردار است و معتقدیم که در سازمان‌های یادگیرنده بایستی مورد توجه قرار گیرد.

۵-۳- رویکردهای مختلف گردآوری دانش در سازمان‌ها [۱۶]

رویکرد دروازه‌بان ۱۹: که این رویکرد را بیشتر در پایگاه‌های دولتی، دارویی و ... می‌بینیم که اطلاعات و دانش ارائه‌شده، قبل از ثبت، پایش و صحت آن تایید می‌گردد.

رویکرد آزاد برای همه ۲۰: مثل آغاز کار IBM که اطلاعات به صورت کامل و آزاد ذخیره و در دسترس قرار می‌گیرد.

رویکرد شبکه شایستگی ۲۲: رویکردی شبکه‌مانند دارد و در واقع یک نوع انجمن کاری است که قواعد بازی را افراد معین می‌کنند.

انتخاب این رویکردها در نگه‌داری دانش، بستگی به فرهنگ و فضای سازمان دارد و ممکن است به‌تدریج به سمت شبکه‌های شایستگی تغییر یابد. با این رویکرد که سازمان یادگیرنده را سازمانی دانش‌محور می‌دانیم، فاکتورهای کلیدی موفقیت در سازمان‌های با این ساختار را می‌توان چنین بیان کرد:

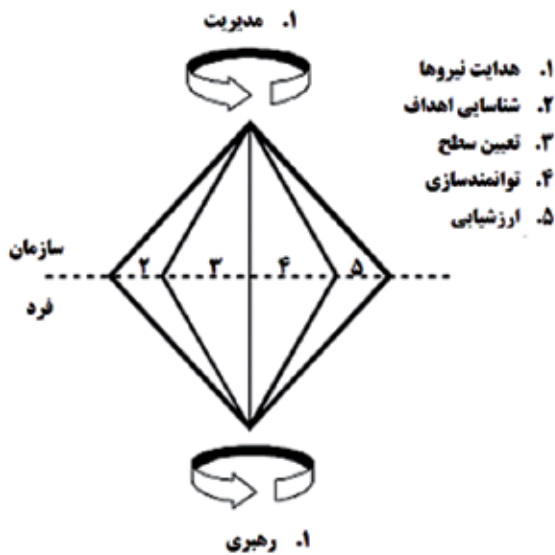
تعهد بالا به پایین به اهمیت دانش (حتی بیش از مسائل مالی)
داشتن نگرش نه به‌عنوان «پلیس دانش» بلکه به‌عنوان ترغیب‌کننده به موضوعات جدید دانشی

انجام هزینه بر زیرساخت‌ها
تعبیه بخش دانش در کسب‌وکار و توجه به سنجش‌های بلندمدت

درواقع از آن‌جا که مدیریت دانش می‌کوشد تا مرزهای سازمانی را درنوردد، همکاری و ارتباطات را قوت بخشد و دانش موضعی را به دانش سازمانی تبدیل کند، سازمان را به‌سوی سازمان یادگیرنده هدایت می‌کند. سیستم مدیریت دانش؛

- 19- Gatekeeper
- 20- Free-For-All
- 21- International Business Machines Corporation
- 22- Competency Network

شکل ۲- مدل لوزی یادگیری سازمانی [۴]



سطوح شخصی، تیمی، سازمانی و جهانی تقسیم کرده است. این مدل، آخرین و جامع‌ترین مدل ارزیابی یک سازمان یادگیرنده است.

در مدل واتکینز، ابزار اصلی شناسایی سازمان‌های یادگیرنده با ۷ عامل عبارتست از: یادگیری مستمر، گفت‌وگو و پرس‌وجو، یادگیری تیمی، سیستم‌های تعبیه‌شده، توانمندسازی، رهبری، عملکردهای مالی و عملکرد دانشی. پایه تمام این موارد در یک مدل لوزی شکل (الماس) آمده است (شکل ۲). دلیل انتخاب این مدل آن است که الماس جاودانه و پر از فرصت‌ها است. الماس و سازمان یادگیرنده هر دو از دو نیمه مقابل هم تشکیل شده‌اند؛ که نیمه بالایی سازمان و نیمه پایینی فرد است. یادگیری فرآیندی مستمر

تلاقی یادگیری و نیازهای توسعه‌ای

جاری‌سازی یادگیری در فضا و محیط کار

با این وجود در هر فرهنگ و کشور و سازمانی، نحوه پیاده‌سازی سازمان یادگیرنده می‌تواند منحصر به فرد باشد. عوامل سازنده سازمان یادگیرنده عبارت است از [۳]:

یادگیری و اشتراک اطلاعات

چشم‌انداز و استراتژی

آموزش

الگوگیری

پاداش و تصدیق

از این رو به اعتقاد مولفین، توجه به بحث فرهنگی قبل از هر چیز دیگر در سازمان‌های یادگیرنده باید مورد توجه باشد.

۷- ارزیابی بلوغ سازمان یادگیرنده

برای تعیین این که سازمانی یادگیرنده است یا نه و این که درجه بلوغ سازمان در این حوزه چگونه است، مدل‌های مختلف ارزیابی ارائه شده است، که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از [۴]:

مدل آجریس؛ که متمرکز بر مدل‌های ذهنی و تغییرات آن‌ها در یک سازمان یادگیرنده است.

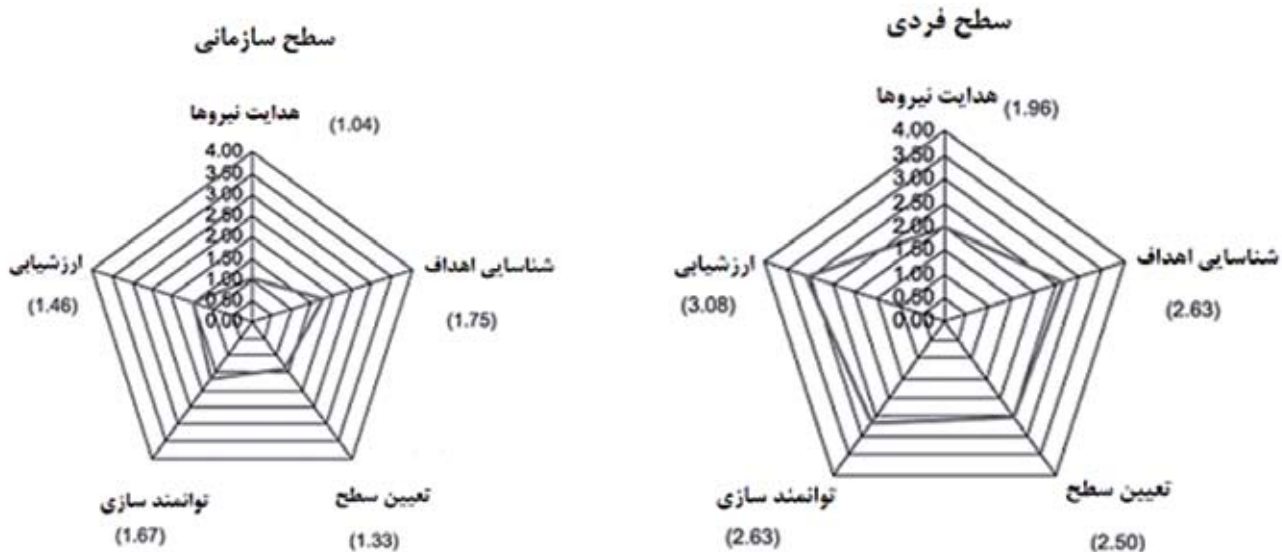
مدل پدلر؛ که تاکید بر نقش افراد در ابعاد استراتژی، نمای داخلی، نمای خارجی و فرصت‌های یادگیری در سازمان یادگیرنده دارد.

مدل مایا ولانک؛ که تاکید بر فاکتورهای سازمانی روی اشخاص و یادگیری مبتنی بر تیم و نفوذ (رهبری و مدیریت) دارد.

مدل تام نینبان؛ که بیشتر بر فرایندها و آموزش و راه‌های یادگیری شغل تاکید دارد.

مدل ردینگ و کاتالانو؛ که سازمان‌ها را به سه دسته، سنتی، بهبود مداوم و سازمان‌های یادگیرنده تقسیم می‌کند.

مدل واتکینز؛ که ابعاد سازمان یادگیرنده را مورد سوال قرار داده و آن را به



شکل ۵- یادگیری فردی (راست) در مقایسه با یادگیری سازمانی (چپ) [۴]

مراجع

Marr Bernard and Schiuma; Intellectual capital _ Defining Key Performance Indicators for organizational knowledge asset; Business Process Management Journal vol 10, No 5, 2004; Emerald.

گانز باب؛ سازمان تندآموز، حفظ و تداوم مزیت رقابتی؛ مترجم دکتر خدایار ابیلی؛ نشر ساپکو

Mara.F Abu Khadra; Ibrahim A.Rawabdeh; Assessment of Development of the Learning Organization concept in Jordanian Industrial companies; vol 13, No 5 , 2006; emerald.

MoilanenRaili ; Diagnosing and measuring Learning organizations ; Finland; The Learning Organization, vol.12 NO.1, 2005 pp 7789- ; Emerald

فقهی فرهنگ، ناصر؛ مدیریت پویای سازمان؛ انتشارات فروزش؛ پیتر سنگه؛ پنجمین فرمان؛ ترجمه: حافظ کمال هدایت، محمد روشن؛

انتشارات سازمان مدیریت صنعتی
پیتر سنگه و همکاران؛ رقص تغییر؛ ترجمه: حسین اکبری، مسعود سطلانی؛ انتشارات آریاناقلم

Kim S. Cameron, Gretchen M. Spreitzer; The Oxford Handbook of Positive Organizational Scholarship; Oxford University Press, USA, 2011

Yeo Roland; Linking organizational Learning to organizational performance and success; Singapore case studies; Learning and organization development journal 2483-70 ,2003 ,2/; Emerald.

قشمی، آرش؛ بنیاد صنعتی ایران؛ مدل معماری سرمایگی سازمان دانش محور؛ چهارمین کنفرانس مهندسی صنایع

BhatnagarJyotsna; Measuring organizational learning capability in Indian managers and establishing firm performance linkage, An empirical analysis ; The Learning Organization Vol. 13 No. 5, 2006; pp. 416433-; Emerald Group Publishing Limited

عبدالکریمی، مهوش؛ مدیریت دانش، فن آوری و خلاقیت و نقش آن‌ها در بهبود کارایی و اثربخشی فرآیندها؛ چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیران کیفیت

غفاریان، وفا؛ کیانی، غلامرضا؛ ۵ فرمان برای تفکر استراتژیک؛ انتشارات فرا ابراهیمزاده، رضا؛ بررسی تاثیر مدیریت دانش بر سازمان یادگیرنده؛ سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت

اصیلی، غلامرضا و قدیربان عباسعلی و فرهادی سیدمحمد؛ گروه‌های یادگیرنده، محور یادگیری و توسعه منابع انسانی؛ دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت

How to build up organizational knowledge and establish a learning organization; Kuan- tsaе Huang; Taskco Corporation; www.taskco.com.tw ; 2001

RanjitBose; Knowledge management Metrics; Industrial Management & Data Systems, vol 104, No 6, 2004, pp 457468- Emerald.

BKNOWLEDGE management cultivating know/edge professionals; suliman al-hawamdeh; Chandos Publishing, oxford, England, NewHampshive,USA,2003, chapter8.

است و سازمان یادگیرنده حالتی از چنین سازمانی است. در این ابزار، هرچه اندازه لوزی بزرگ‌تر باشد یعنی تعداد عناصر ارزیابی شده بیشتر است و امتیاز بیشتری کسب شده است.

این ابزار با مقایسه اطلاعات حاصل از سطوح شخصی و سازمانی یادگیرنده بودن، سازمان را بررسی می‌کند. نمونه‌ای از یک سازمان که در سطح پایین یادگیرنده بودن قرار دارد در ذیل آمده است. همان‌گونه که در شکل ۵ مشاهده می‌کنید، سطح سازمانی بسیار کوچک‌تر از سطح فردی است. اما در سازمانی که یادگیرنده باشد، این سطوح تقریباً باید برابر باشد. در سازمان‌هایی که کمتر یادگیرنده باشد، افراد بیشتر روی خودشان و ظرفیت‌های یادگیری فردی تکیه دارند تا سازمان به‌عنوان محیطی یادگیرنده. در تمامی سازمان‌های یادگیرنده، میانگین امتیاز مولفه‌ها بین ۲/۲ تا ۲/۷ متعادل است. یعنی هیچ مولفه‌ای به‌طور واضح بزرگ‌تر از سایر فاکتورها نیست. سازمان‌ها در نتیجه محیط‌های یادگیری‌شان متفاوت هستند. بهترین خطوط کسب‌وکار بر حسب یادگیری در سازمان‌های انسان‌محور است تا سازمان‌های ماشین‌محور.

۸- جمع‌بندی

سازمان یادگیرنده سازمانی است که با ایجاد ساختارها و استراتژی‌ها، به ارتقای یادگیری سازمانی کمک می‌کند. این سازمان دارای مهارت و توانایی ایجاد، کسب و انتقال دانش است و رفتار خودش را طوری تعدیل می‌کند، که منعکس‌کننده دانش و دیدگاه‌های جدید باشد. سازمان‌های یادگیرنده به‌طور مستمر در پی افزایش قابلیت‌های خود در زمینه خلاقیت، نوآوری و تحول هستند، که عمدتاً از طریق آموزش و بهره‌ور ساختن نیروی انسانی میسر می‌گردد. جهت تقویت یادگیری در سازمان یادگیرنده راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌گردد:

بهبود سامانه‌ها و بهبود فرایندها و فعالیت‌ها
بهبودسازی منابع نیروی انسانی و ارتقای کیفی افراد
توجه به دانش کاری افراد به‌عنوان نقطه شروع بهبود بهره‌وری سرمایه‌گذاری و تخصیص بودجه قابل توجه به تربیت و پرورش مغزهای متفکر و مبتکر

انتقال و اجرای سریع یادگیری سایر شرکت‌ها به داخل سازمان
حمایت و یادگیری ایده‌های خوب و کارهای موفق سایر بنگاه‌ها
توجه بیشتر به بعد انسانی مدیریت
تقویت انگیزه کارکنان

پرورش و ترویج فرهنگ چشم‌انداز و سرنوشت مشترک
پرورش و ترویج تفکر استراتژیک مشارکتی و تعاملی کارکنان
توجه بیشتر به خلاقیت و نوآوری همه‌جانبه نیروی کار
گرایش بیشتر به شایسته‌سالاری

کوچک‌سازی/ مناسب‌سازی نیروی کار
تشویق معنوی و مادی کارکنان
مکانیزه کردن فعالیت‌های سازمانی و توسعه اتوماسیون
داشتن ساعات شناور کاری/ حذف محدودیت‌های زمانی کار
مجازی شدن محیط‌های کاری، عدم وابستگی کار با مکان
رشد توانایی‌ها و قابلیت‌های کارکنان

توجه و اهمیت به نظام مدیریت مشارکتی
تخصصی‌تر شدن کارها

توجه به موضوعات جدید مدیریتی
افزایش مدیریت غیرمتمرکز
تفویض اختیار و بروز خلاقیت
توسعه نظام‌های نوین مدیریتی
تحول ساختارهای سازمانی



حج قربانان مشق رهایی

و بدین گونه ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم می‌نمایانیم، تا [حقایقی را دریابد و] از اهل یقین شود.
سوره انعام - آیه ۵۷

تنها وقتی که آخرین بند دلبستگی و وابستگی را پاره کنی، می‌توانی دنیای دیگری را ببینی که تا قبل از این کار، هرگز نخواهی فهمید از چه جنسی است و تو را به کجا می‌برد. شاید یکی از اصلی‌ترین بزنگاه‌های زندگی بشر، قبول این بریدن و رهایی است. خیلی‌ها نمی‌توانند این خطر را بپذیرند و عطای دیدن دنیای بعد از این تجربه را، به لقایش می‌بخشند. می‌مانند با حسرتی همیشگی از نرفتن و نبریدن. اما دیگرانی هم هستند که با اعتماد به قلب خود و گواهی‌هایش، پا در مسیری می‌گذارند که هیچ از آینده‌اش باخبر نیستند. ما انسان‌ها می‌توانیم مشق بریدن و رهایی کنیم. صبر بر غم‌ها و خطرها و ملامت‌ها، می‌تواند آرزوی مان باشد. وقتی ابراهیم از بند تعلق فرزندش برید و رها شد، هیچ نمی‌دانست که در لحظه‌های بعد و در فقدان فرزندش چه خواهد کرد. از پروردگارش نخواست تا مسیری جز بریدن را به او نشان دهد. نخواست تا ساحل امنی برای بندگی‌اش بی هیچ خطر و اندوهی پیدا کند. تنها خواست که بتواند این بریدن را با کمک خالقش به سلامت از سر بگذراند.

داستان قربانی ابراهیم جایی است که انسان بودن یک انسان و تمام تعلقاتش در کنار خداوندی خدای واحد با تمام امتحانات و نتیجه‌هایش، دیده می‌شود و به همین دلیل می‌توان به داستان آن نزدیک شد و گاهی هم‌ذات‌پنداری کرد.

حالا بعد از چندین هزار سال، روایت ایمان ابراهیم و اسماعیل و قربانی در مناسک حج هم‌چنان زنده نگه داشته می‌شود. کسی که مناسک مختلف حج را انجام داده، با ذبح گوسفند آخرین نماد را هم انجام می‌دهد و امیدوارانه با خدای خودش پیمان می‌بندد که بندگی را از یاد نبرد. نه آن‌که توانسته باشد آن امتحان بزرگ ابراهیم را در مسیر بریدن و رها کردن و رها شدن انجام دهد. نه! ما انسان‌ها وقتی در مسیر زندگی‌مان با این بزنگاه‌ها روبه‌رو می‌شویم؛ آن موقع است که باید به یاد و یادگار رهایی ابراهیم در حج، مشق بندگی را تکرار کنیم. هیچ‌گاه عاقبت رها کردن و رها شدن، بد نخواهد بود.

می‌شود عید امسال به ایمان ابراهیم فکر کرد. یا می‌شود این بار به اسماعیل هم نگاهی انداخت و قصه را از نگاه او یک‌بار دیگر دید. می‌شود تمام بزنگاه‌های زندگی‌مان را که توانسته‌ایم ببریم یا نتوانسته‌ایم و هنوز منتظر جراتی برای حرکت هستیم، مرور کنیم. شاید همت‌مان آن قدر قوی شده باشد که لذت چنین رهایی‌ای را به خودمان عیدی بدهیم.



تقویم تاریخ

مانی قنادزاده

دفاعی که مقدس شد

نوع مردن می‌داند «اَكْرُمُ الْمَوْتِ الْقَتْلُ».

۲- در دفاع مقدس بارها عراق علیه ایران از سلاح شیمیایی که ناجوانمردانه‌ترین نوع سلاح است استفاده کرد و بارها به شهرهایی که بی‌دفاع بودند تجاوز کرد تا نشان بدهد جنگ چقدر بی‌رحم است.

۳- اما باز ایستادیم و جوان‌هایمان را تقدیم این دفاع کردیم. ایستادیم مقابل تحریم که در آن زمان حربه‌ای بود برای از کار انداختن قدرت ایران در مقابل هجوم دشمن. در مقابل کشورهایی که بی‌دریغ به صدام کمک می‌کردند، ما با دست‌های خالی که نه با دست‌هایی می‌جنگیدیم که پر بود از ایمان.

۴- حالا ما مدیون آن‌ها هستیم. شاید اگر زنده بودند این را از ما نمی‌خواستند اما باز نمی‌شود چشم‌هایمان را ببندیم به روی این از خودگذشتگی. هر چقدر هم که طور دیگری نگاه کنیم و اعتقاد دیگری داشته باشیم؛ مدیون جهان‌آرا... باکری... همت... داوودکریبی و آن نوجوانی هستیم که معصومیتش را پای این دفاع مقدس از داشته‌هایش داد. داشته‌هایی که داشته‌های همه ما است؛ ناموس... خاک... شرف... عزت...

۵- یک هفته برای گرامیداشت این دفاع کم است. باید تا زنده هستیم شهدا و جانبازان را گرامی بداریم. در عمل، نه در حرف.

۱- کسی فکر نمی‌کرد جنگی که صدام حسین در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز کرد، تا به آن جایی برسد که امروز برای ما بشود دفاع مقدس و برایش هفته برگزار کنیم. اسمی که به زیبایی برایش برگزیده شده است. دفاعی که به حق مقدس بود. جوانانی که با شور و اشتیاقی و بی‌هیچ چشمداشتی فقط برای آن که ثابت کنند کشورشان را عاشقانه دوست دارند، به دفاع برخاستند. همین چند وقت پیش بود غواصانی را بعد از مدت‌ها خوش‌نامی با دستانی بسته به کشور برگرداندند، تا ما باز به عمق این از خودگذشتگی پی ببریم. مگر انسان چقدر می‌تواند از دنیا سیر باشد که این چنین ترکش کند. شهادت فنا شدن انسان برای نیل به سرچشمه نور و نزدیک شدن به هستی مطلق است. شهادت عشق به وصال محبوب و معشوق در زیباترین شکل است. شهادت مرگی از راه کشته شدن است، که شهید آگاهانه و به‌خاطر هدف مقدس و به تعبیر قرآن «فی سبیل‌الله» انتخاب می‌کند. یعنی شهید در راهی کشته می‌شود که هر دو ارزش آگاهانه و فی سبیل‌الله را داراست و چنین مرگی است که به تعبیر پیامبر «ص» شریف‌ترین و بالاترین نوع مردن است «اَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ» و علی (ع) آن را گرامی‌ترین



در سالگرد اولین زنگ مدرسه ایرانی

هر آن که در پی علم و دانایی است بداند که وقت صف آرای است

بوی مهر بوی مدرسه دارد و قصه‌های مدرسه؛ این که اولین زنگ مدرسه ایرانی را کدام معلم زد و قصه‌های قدیمی مدرسه از کجا آمدند و به کجا رفتند و قصه میرزا حسن رشديه چه بود؛ همان معلمی که در سال ۱۳۰۷، اولین مدرسه ابتدایی ایران را تاسیس کرد و خودش اولین مؤلف کتاب‌های ابتدایی بود و تمام کتاب‌هایی را هم که نوشت با هزینه خودش چاپ کرد. اما قصه میرزا حسن از این جا شروع نمی‌شود. اول قصه آن مدرسه کوچک خیابان ششکلان تبریز است، که در حقیقت اولین مدرسه ایران است. اولین به سبک و سیاق مدرسه‌های فرنگی و اتوکشیده، اما حیف که به دست آن‌هایی که تدریس به اطفال را گناه می‌دانند، تخریب می‌شود. بهانه هم تقلید است، آمدن شیطان است، غافل از این که شیطان فقط در خانه بی‌دانش‌ها رخنه می‌کند.

۲

این که اولین کتاب درسی ایران، کتاب‌های ترجمه‌شده دارالفنون بوده‌اند، یا این که اولین مدرسه یا دانشگاهی که در ایران شکل گرفت و ماندگار شد، همین دارالفنون پیر و عزیز و قدیمی است، هیچ‌کدام داستان ما نیستند، یعنی امروز نیستند، امروز ما بچه‌مدرسه‌ای‌های سال‌های دور، دنبال قصه‌های اول دبستان می‌گردیم.

۳

تاریخ می‌گوید اولین مدرسه رشديه در حقیقت اولین نیست؛ که این دبستان رشديه که بعد از صدور فرمان مشروطیت شروع به کار کرد، در حقیقت هشتمین مدرسه میرزا حسن خان است. همه قبلی‌ها را خراب کرده‌اند، تخته سیاه‌ها را شکسته‌اند و معلم‌ها را کتک زده‌اند. آن هم به دلیل علم آموختن به بچه‌های

۱

«به نام خداوند بخشنده مهربان، روز اول در اتاق دوم

چه روز خوشی است امروز و چه ساعت خوبی است این ساعت، که به اطلاق خود آمده‌ایم و می‌توانیم کتاب بخوانیم. خدا را ستایش می‌کنیم و از آموزگاران خود تشکر می‌نماییم.. چه خوبست که هم‌درسان اطلاق اول همه این‌جا آمده‌ایم و باز با هم هستیم. راستی اگر یکی از ما تنبلی می‌کرد و از عهده امتحان بر نمی‌آمد و در اطلاق اول می‌ماند، خودش چقدر غصه می‌خورد و ما چقدر برای او دلتنگ می‌شدیم، پس باید هر روز اول وقت به مدرسه بیاییم، درس‌های خود را خوب روان کنیم تا پدر و مادر و معلمین ما خوشنود باشند و سال دیگر باز هم به اطلاق سوم برویم.»

متن کتاب درسی ۱۳۰۸ کلاس دوم

تشنهٔ دانستن؛ همان‌ها که بعدها با علمشان بارها ایران را از قراردادهای نابودکننده نجات می‌دهند؛ همان‌ها که برق می‌کشند، سیم تلفن می‌آورند، پزشک می‌شوند و خانهٔ مهندسی‌ساز می‌سازند. البته بعدتر، یعنی ۱۰ سال بعد از تخریب مدرسهٔ رشديه، وقتی اولین مدرسهٔ دخترانه را هم تاسیس می‌کنند، باز هم مدرسه عده‌ای مخالف دارد، اما خانم صفيهٔ یزدی که همسر شیخ محمدحسین یزدی یکی از روحانیون طراز اول تهران است، سردمدار آموزش به دختران می‌شود و دهن همهٔ مخالفان را می‌بندد، اسم این مدرسه هم هست «عفتیه».



هر آن‌که در پی علم و دانایی است بداند که وقت صفا آرای است (شعار مدارس رشديه)



توی تاریخ آدم به اسم‌های زیادی برمی‌خورد که دنبال پا گرفتن آموزش عمومی بوده‌اند، آدم‌هایی مثل حاج سیدسعید طباطبایی بنیان‌گذار هشت مدرسه و کتابخانهٔ مسجد گوهرشاد، ذکاءالملک که اولین کتاب فیزیک دورهٔ دبیرستان را نوشته، باغچه‌بان که مدرسهٔ ناشنایان تاسیس کرده، بدرالملوک بامداد که می‌خواست مدرسهٔ مدرن بسازد و اعتمادالدولهٔ وزیر که مسئول چاپ اولین کتاب‌های درسی در ۱۳۰۷ بود.



کتاب‌های وزارتی بالاخره در ۱۳۰۷ چاپ شدند؛ کتاب‌هایی که تقریباً متناسب با سن و سال بچه‌هایی که مدرسه را آغاز می‌کردند نوشته شده بودند. این کتاب‌ها هم ارزان‌تر بودند، هم چاپ بهتری داشتند. کتاب‌هایی که تصویرسازی داشتند، شعر کودکانه و نوشته‌های ساده داشتند و برای بچه‌ها آسان‌تر و قابل فهم‌تر از کتاب‌های مکتب‌خانه بودند و علاوه بر آن در همهٔ کشور مشترک هم بودند، گرچه خدا می‌داند به دست بچه‌های روستاها و سرزمین‌های دور چهل سال بعد رسیدند یا اصلاً نرسیدند. بعدتر هم البته محمدعلی فروغی کتاب‌های دبیرستان را چاپ کرد و شرط درس و امتحان و نمره برقرار شد و بالاخره مدرسه آن سروشکلی را پیدا کرد که امروزه دارد.



«مدیر مدرسه در قبول متعلم اگر فقط شهریه را منظور بدارد، بسی ظلم کرده است. مدیر باید شهریه را محض استقلال تعلیم و تربیت اخذ نماید، زیرا که مطالبات اجرت برای تعلیم حرام است.»

میرزا حسن رشديه



میزان الحساب، فیزیک، تشریح بدن انسان، جبر و مقابله، زنده‌الابدان، جراحی و... کتاب‌های درسی دارالفنون بودند. ادب و هنر و املا و انشا و حساب و هندسه و

علوم هم که برای خیلی از مدرسه‌رفته‌های قرن اخیر آشناست.



در سال ۱۳۰۷ به دستور قراگوزلو یا همان اعتمادالدولهٔ وزیر، کتاب اول دبستان با همکاری مخبرالسلطنه و با اشعاری از ملک‌الشعراى بهار و ایرج میرزا منتشر می‌شود. قصه‌های آن کتاب را ما به یاد نمی‌آوریم، پدرهایمان هم به یاد نمی‌آورند، شاید پدربزرگی... اما حسنک، انار، تصمیم کبری، باران، کوکب خانم و... اسم‌هایی هستند که انگار با میخ روی این سنگ سیاه مخ ما حک شده‌اند. این کتاب‌ها و قصه‌ها مال بچه‌های قدیم است، با هم درباره‌شان حرف می‌زنیم، کلمهٔ رمزمان است، دلیل دوستی‌مان است و البته دلیل این‌که روزگار رفته را دوست داریم؛ به خاطر کبری و کوکب و حسنک.



دکتر حسابی، دکتر جناب، رشید یاسمی، ملک‌الشعراى بهار، ذکاءالملک فروغی، ایرج میرزا، میرزاحسن رشديه و... (از بین اسامی اولین مؤلفان کتاب‌های درسی)



پایان داستان، پایان قصهٔ میرزاحسن رشديه است، که امین‌السلطان اتابک اعظم به‌محض نخست‌وزیر شدن طومارش را پیچید، مدرسه‌اش را در دروازهٔ قزوین خاموش کرد و به او تهمت بی‌دینی زد. میرزاحسن تنها و سرگردان پناهندهٔ قم شد و تا آخر عمر آن‌جا ماند و آخرین مدرسه‌اش را هم همان‌جا در قم ساخت. دور از چشم آدم بدهای قصه و آدم‌هایی که دلشان می‌خواست همه چیز را توی



جیب خودشان بچپانند؛ این وسط کوچهای در خیابان جمهوری به اسم مدرسهٔ رشديه است، که نوادهٔ میرزاحسن را انداختند و اتفاقاً پدر من به مهد کودک و دبستان رشديه رفته و خاطره‌های خوبی هم دارد از‌شان، می‌بینی؟ شاید بشود میرزاحسن را خاموش کرد، اما شمعی که توی دل آدم‌ها روشن کرده، هرگز با فوت یکی دو نفر خاموش نمی‌شود، برای همین هم هست که هر ازگاهی ما آه می‌کشیم و انگار ناخودآگاه می‌گوییم: آخ حسنک پس کجایی؟

فهرست منابع:

- ۱- سایت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- ۲- روزنامهٔ اطلاعات ۸۰ سال
- ۳- سایت مطالعات تاریخ معاصر ایران
- ۴- تاریخ بیداری ایرانیان/ ناظم‌الاسلام/ نشر رودکی
- ۵- کارنمای زنان کارای ایران/ پوران فرخزاد/ نشر قطره
- ۶- زن ایرانی، بدرالملوک بامداد/ نشر ابن سینا/ ۱۳۴۸
- ۷- سایت انسان‌شناسی و فرهنگ smoc.ihuokaf.www
- ۸- مجلهٔ الکترونیکی سدهٔ لنجان
- ۹- مقاله‌ای از استاد اسفندیار معتمدی

برای چه کاری چه چیزی نصب کنیم؟

دیگر دوره سرگردانی تمام شده و تقریباً نیازی نمانده که گجت‌های دیجیتال برآورده‌اش نکنند. در این دو صفحه، به معرفی نرم‌افزارهایی می‌پردازیم که می‌تواند بارهای سنگین و بزرگ و وقت‌گیر را از روی دوش کاربران بردارد. اولویت هم با اپلیکیشن‌های فارسی است. اجرای‌شان کرده‌اند.

قرآن صوتی حبل‌المتین

دیگر لازم نیست همیشه در کیف خود یک جلد قرآن به همراه داشته و نگران این باشیم که زیر کتاب‌های دیگرمان قرار بگیرد و به آن بی‌حرمتی شود. با این اپلیکیشن نه تنها همیشه یک قرآن خوش‌خط و حتی خوش‌صدا همراه داریم، بلکه امکانات فراوان دیگری هم در اختیارمان قرار می‌گیرد:

تطابق کامل با ساختار و ویژگی‌های اندروید مشاهده متن قرآن همراه با ترجمه به صورت



زیرنویس امکان دانلود مستقیم صوت‌های قرآن، ترجمه، تفسیر و ترجمه گویا امکان انتخاب سوره‌های مورد نظر برای دانلود صوت‌ها

امکان شرکت در ختم آنلاین قرآن

مشاهده آرشیو شخصی شرکت در ختم قرآن

آموزش قواعد تجوید

دریافت اطلاعاتی‌های قرآن به صورت نوتیفیکیشن

به‌روزرسانی خودکار

سرآشپز پاپیون

مجبورید بعضی کارهای خود را در خانه انجام بدهید و همسرتان هم حضور ندارد؟ مجبورید شب را در محل کار بمانید و خسته شده‌اید از غذاهای حاضری و فست‌فودی؟ می‌خواهید به همکارانتان نشان بدهید که کار کردن منافاتی با چرخاندن زندگی ندارد؟ سرآشپز پاپیون را دریابید که خیلی کمک

بزرگی است:

حجم بسیار کم

امکان ثبت نظر برای هر غذا

جست‌وجوی سریع و پیشرفته

به اشتراک‌گذاری دستور پخت

امکان ارسال عکس غذای تهیه‌شده با ثبت نام خودتان

لیست خرید با امکانات ویژه

محاسبه مواد لازم برای تعداد نفرات مورد نیاز شما

تنظیم تایمر



مدیر اینترنت

وقتی داریم از اینترنت سیم‌کارت یا همان دیتا استفاده می‌کنیم، لازم است ریز مصارفمان را بدانیم. چراکه اگر بی‌حساب‌و‌کتاب روی هر لینک و گزینه‌ای کلیک کنیم، چیزی نمی‌گذرد که می‌بینیم بسته اینترنتمان ته کشیده و در مترو، اتوبوس یا تاکسی دیگر نمی‌توانیم آن ایمیل کاری مهم را برای کارفرما بفرستیم. اپلیکیشن «مدیر اینترنت» برای همین نیاز طراحی شده. و البته کاربری دیگری هم دارد:

نمایش سرعت دانلود یا آپلود در استاتوس‌بار نمودارهای زیبا برای نشان دادن سرعت و نحوه اتصال آمارگیری کامل از ارتباطات نمایش کامل ارتباطات شما



محاسبه هزینه اینترنت نمایش اطلاعات IP شما محاسبه زمان دانلود

فست‌دیکشنری

همه‌مان خاطره ناخوشایند استفاده از یک لغت‌نامه پاره پوره و درب و داغان را داریم، که مستعمل شده و هر بار که بازش می‌کردیم چند صفحه‌اش می‌ریخت روی زمین. تازه بگذریم از این که پیدا کردن یک واژه در دیکشنری‌های کاغذی چقدر با دردسر همراه بود. با فست‌دیکشنری آشنا شویم که کارهای زیادی برایمان می‌کند:

بیش از صد هزار کلمه و چهار هزار نمونه جمله تلفظ صوتی به لهجه‌های آمریکایی و بریتانیایی

مشاهده لغات جست‌وجوشده

افزودن لغات مورد علاقه

آشناسازی آمریکایی و بریتانیایی

بدون نیاز به اینترنت

سازگار با تمام صفحه کلیدهای فارسی





خبرگردی

دیگر کم‌اند کسانی که حوصله‌ باز کردن و تا کردن روزنامه‌ها را توی مترو و اتوبوس داشته باشند. دوست ندارید وقتی دارید روزنامه می‌خوانید صد نفر به تیتراهای مختلف روزنامه‌ای که در دست دارید خیره شوند؟ وقتی می‌شود خیلی سریع‌تر و بی‌دردس‌تر در جریان اخبار قرار گرفت، پس چرا خبرگردی را نصب نکنیم؟



دسته‌بندی اخبار

برچسب‌گذاری روی اخبار

اطلاع از پربازدیدترین اخبار

ایجاد یک مجله خبری برای هر کاربر

نمایش متن کامل خبر بدون نیاز به باز کردن لینک

یا وبسایت مرجع

به اشتراک‌گذاری لینک اخبار

پیش‌بینی آب‌وهوا تا سه روز آینده

بخش جدول لیگ‌های ورزشی ایران و اروپا

دارای بخش شارژ مستقیم سیم‌کارت و وایمکس ایرانسل

پشتیبانی از بیش از ۸۰ عنوان روزنامه داخلی و خارجی



دیوار

دیوار را اگر نمی‌شناسید، حتما خیلی زود بشناسید. مصداق بارز یک نرم‌افزار به دردخور است. زندگی در این شهرهای شلوغ و پرتراфик اصلا اجازه نمی‌دهد که برای خریدن یک کالای دست دوم صد تا خیابان را پشت سر بگذاریم و کلی خط مترو عوض کنیم و در نهایت هم ببینیم که میلمان مغازه‌های دست دوم‌فروشی میدان امام حسین چنگی به دل نمی‌زنند. فقط میلمان؟ خیر.

همه چیز از شیر مرغ تا جان آدمیزاد. هرکسی هر چیزی را که می‌خواهد بفروشد به معرض نمایش می‌گذارد و خیالتان راحت:

امکان جست‌وجوی کالای مورد نظر

نمایش چندین عکس برای هر جنس

امکان ثبت یک یا چند کالا به‌عنوان کالای مورد علاقه

وجود انواع و اقسام وسایل خانه و زندگی

نمایش اطلاعات تماس فروشنده برای هماهنگی

رابط کاربری ساده و سریع و سرراست

شناخته‌شده و همگانی بودن نرم‌افزار



تقویم اذان گوی باد صبا

چرا باید هر چند دقیقه یک‌بار ریموت کنترل را برداریم و بزَنیم شبکه استانی تا بفهمیم اذان شده یا نه؟ چرا باید هی توی صفحات پرتعداد روزنامه بگردیم دنبال باکس کوچک اوقات شرعی؟ با این اپلیکیشن دیگر هیچ دغدغه‌ای درباره قضا شدن یا نشدن نمازتان ندارید و می‌توانید درست سر موقع اذان، صدای مؤذن دلخواهتان را هم بشنوید. برخی از امکاناتش:



سه تقویم شمسی، قمری و میلادی

نمایش وقایع ملی و مذهبی تاریخ انتخابی در تقویم

اوقات شرعی ۱۲۳۵ شهر و قابلیت پخش اذان به صورت خودکار

قبله‌نما

ارائه شرح اعمال و ادعیه مرتبط با هر روز

درج یادداشت و یادآوری برای هر روز

امکان دانلود و انتخاب مؤذن دلخواه جهت پخش اذان

تبدیل تاریخ هر تقویم به دیگری



چارترز

بدون شک این نرم‌افزار یک انقلاب در اپلیکیشن‌های ایرانی محسوب می‌شود. کیست که حداقل یک خاطره ناخوشایند از دردسرهای تهیه بلیت چارتر هواپیما نداشته باشد؟ اتفاقاً برای یک مدیر، خیلی خوب است که بتواند در دقیقه نود، ارزان‌ترین هواپیما را پیدا کند و کیف مدارکش را بردارد و با خیال راحت و همراه یک بلیت الکترونیکی در صف کانتر پرواز بایستد. یک نکته مهم این‌که اپلیکیشن چارترز دو نسخه رایگان و پولی دارد. برای استفاده از تمام امکانات فوق‌العاده این نرم‌افزار، بهتر است نسخه پولی‌اش را با قیمت



ناچیز ۴۲۰۰ تومان بخرید، که دیگر لازم نباشد هیچ‌وقت با اپراتورهای بی‌حوصله آژانس‌های مسافرتی سروکله بزنید. فقط کافیست که مبدأ، مقصد و تاریخ سفرتان را مشخص کنید، چارترز برای شما ارزان‌ترین بلیت‌ها را پیدا می‌کند.



۴۰ تیکه

فرید دانش‌فر



گلزن ترین دروازه بان های دنیا

چارچوب دروازه برایشان کم است

دروازه بان‌ها در آخرین نقطه زمین خودشان هستند و وظیفه‌شان بسته نگه داشتن دروازه است. به همین دلیل به‌طور معمول کم پیش می‌آید که یک دروازه بان از منطقه مشخص شده‌اش بیرون بیاید و موفق به گلزنی شود. در واقع خارج شدن برای آن‌ها یک ریسک است. چند وقت پیش هفته آغازین لیگ هلند با یک اتفاق جالب همراه شد، که در رسانه‌ها هم بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد: در بازی بین دو تیم آینه‌هون و دن‌هاگ، در حالی که آینه‌هون دو بر یک از حریفش پیش بود، در دقیقه نود و چهارم بازی، تیم دن‌هاگ صاحب یک ضربه آزاد شد و دروازه بان تیم که جلو آمده بود توانست با یک ضربه پشت پای زیبا گل بزند و بازی را به تساوی بکشاند. به بهانه این اتفاق، تصمیم گرفتیم این بار از دروازه بان‌هایی بنویسیم که بیشترین تعداد گل زده را در کارنامه‌شان دارند.

یک

قبل از معرفی شاید بهتر باشد که خودتان را برای اطلاع از یک آمار جالب توجه آماده کنید. ممکن است باور نکنید و خیال کنید این عددها واقعیت ندارند. اما فوتبال همین است و هر چیزی امکان رخ دادنش در آن وجود دارد! بهترین دروازه بان گلزن دنیا «روجریو سنی» از باشگاه ساووپولو است. او تا به امروز که شما در حال خواندن این مطلب هستید، صد و بیست و چهار گل به ثمر رسانده. یعنی یک سر و گردن از بعضی مهاجم‌های ما بالاتر است! جالب این‌که تمام گل‌ها را در یک باشگاه زده. او هزار و صد و نود بازی برای تیم باشگاهی‌اش انجام داده و موفق شده این تعداد گل را وارد دروازه حریفان کند. موضوع جالب‌تر این است که او هنوز هم در تیمش بازی می‌کند و آمارش را بالاتر می‌برد. او گفته بود که در پایان سال ۲۰۱۴ از فوتبال خداحافظی می‌کند، ولی اشتیاقش به گلزنی فعلا ادامه دارد!

سه

مطمئنم نفر سوم را بسیاری از شما می‌شناسید؛ آن هم نه به خاطر قهرمانی‌ها و حتی بازی خوبش، که به دلیل انجام حرکات ویژه و عجیب برای گرفتن یا دفع توپ. «رنه هگوییستا» همان دروازه بان کلمبیایی است که علاقه خاصی به انجام این حرکات داشت. هر چند یک‌بار هم همین علاقه و اعتماد به نفس بالايش در جام جهانی کار دست تیمش داد. این بازیکن کلمبیایی در دوران بازیگری‌اش توانست چهل و یک گل بزند. دیدنی‌ترین حرکت او در بازی مقابل تیم ملی انگلیس اتفاق افتاد؛ وقتی که با پشتک زیبا و با نوک پاهایش به شکل فوق‌العاده‌ای توپ را دفع کرد. این حرکت او به «ضربه عقرب» معروف شد.

دو

نفر دوم این لیست چهره شناخته شده‌ای است و در دوره خودش جزو دروازه بان‌های برتر دنیا بود. «خوسه لوئیس چیلورت» نه تنها یک سنگربان خوب برای تیم به حساب می‌آمد، که قابلیت و توانایی عجیبی در زدن ضربات ایستگاهی داشت. همین موضوع او را از سایر هم‌پستی‌هایش متمایز کرده بود. در کنار این استعداد و ویژگی، اعتماد به نفس بالای او باعث شده بود تا بسیاری از ضربات ایستگاهی نزدیک به دروازه حریف را به او بسپارند. وقتی او برای زدن پنالتی یا ضربه آزاد از دروازه خارج می‌شد، یکی از بازیکنان تیم در چارچوب می‌ایستاد تا او با خیال راحت کارش را بکند. چیلورت موفق شد شصت و دو گل به ثمر برساند. او اولین دروازه بان است که موفق شد هت‌تریک کند.

پنج

دروازه بان قبلی به دلایل مختلف و مهارت‌هایشان کاملاً برای فوتبال دوست‌ها شناخته شده بودند، اما نفر پنجم این لیست چندان معروف نیست. «دیمیتر ایوانکوف» که اهل بلغارستان است، در طول بازی‌هایش موفق شد چهل گل وارد دروازه حریفانش کند. البته فرق این بازیکن با دروازه بان‌های دیگر این است که او نسبت به بقیه کمتر ریسک کرده و تمامی چهل گل خود را از روی نقطه پنالتی به ثمر رسانده.

چهار

این بار با یک مهاجم طرف هستیم! اشتباه نکنید، داریم درباره دروازه بان‌ها صحبت می‌کنیم. فقط موضوع این است که «خورخه کامپوس» در واقع یک مهاجم بود ولی به خاطر توانایی‌اش در مهار شوت‌ها و موقعیت‌های تک به تک، پست بازی‌اش را تغییر داد و به یک دروازه بان درجه یک تبدیل شد. او با وجود قد کوتاهش، در چارچوب دروازه عملکرد خوبی نشان می‌داد؛ شاید این موضوع به دلیل پرش‌ها و استعداد ذاتی‌اش بود. او غیر از دروازه بان، مهارت و علاقه عجیبی در پوشیدن لباس‌های قشنگ داشت! کامپوس به خاطر لباس‌های رنگارنگی که می‌پوشید هم خیلی معروف بود. او در طول بازی‌هایش چهل گل به ثمر رساند.

دیدن شهر از قابی دیگر

عکس اجتماعی همیشه جذابیت بیشتری نسبت به موضوعات دیگر برای بیننده داشته است. جذابیتی که همراه است با گسترش میدان دید و تفکر انسان نسبت به رویدادها و لایه‌های زیرین اجتماع. وظیفه عکاس این است که تیزبین‌تر و حساس‌تر از یک شهروند معمولی یا حتی یک سیاستمدار باشد، تا بتواند آنچه را که ما هر روز با چشمانی عجول و بی‌تفاوت می‌بینیم ببیند و در بهترین موقعیت ثبت کند تا ما با حوصله آن‌ها را به نظاره بنشینیم.

بهروز مه‌ری یکی از این عکاس‌های خوش‌ذوق است که تا به حال موفق به دریافت چندین جایزه داخلی و بین‌المللی از جمله جایزه شید به‌عنوان یک جایزه مستقل در حوزه عکاسی مستند اجتماعی، مدال طلای هفتمین مسابقه عکس خبری چین و جایزه حقوق بشر رسانه‌ها در هنگ کنگ شده است؛ در این حوزه بسیار فعال است. از او تا به حال مجموعه عکس‌هایی تحت عنوان پرتره قربانیان اسیدپاشی، معدن نمک کتورا و بلیس؛ مادر پاکستان را در کشورهای مختلف به نمایش گذاشته است. از او این روزها عکس‌هایی با عنوان تماشای بالا و پایین شهر تهران از پنجره یک خودرو منتشر شده است، که می‌تواند ما را به دیدن روی دیگر تهران از قاب پنجره خودرو دعوت کند.



پورشه ۹۱۱ در پمپ بنزینی در شمیرانات تهران



هندوانه‌فروش کنار خیابان



محمدحسین در خیابان ملاصدرا بادکنک می‌فروشد و از این راه امرار معاش می‌کند



بستنی‌فروشی در میدان بهارستان



دستفروشان دور میدان آزادی

